

مبارزات کارگران نساجی به شهر

این حمله ها به حاشای امر مانده و صرفاً به حساب یک اعتراض ساده از سوی سرپرستان است. در آنجا چیزی جز ستم و استبداد کارگران از آنجا نیست. این مبارزات را می توان به عنوان مبارزات کارگران نساجی در تهران نامید. مبارزات کارگران نساجی در تهران، مبارزات کارگران نساجی در کل کشور است. مبارزات کارگران نساجی در تهران، مبارزات کارگران نساجی در کل کشور است. مبارزات کارگران نساجی در تهران، مبارزات کارگران نساجی در کل کشور است.

کارگران کارخانه های چیت سازی به شهر می آیند. کارگران کارخانه های چیت سازی به شهر می آیند. کارگران کارخانه های چیت سازی به شهر می آیند. کارگران کارخانه های چیت سازی به شهر می آیند. کارگران کارخانه های چیت سازی به شهر می آیند.

اعتصاب کارگران در کارخانه سیمان تهران

حدود ۷۰۰ تن از کارگران کارخانه سیمان تهران (واقع در ضلع شرقی) به عنوان اعتراض به شرایط کار در این کارخانه اعتصاب کردند. کارگران برای انجام حواصت های خود به شهر می آیند. کارگران برای انجام حواصت های خود به شهر می آیند. کارگران برای انجام حواصت های خود به شهر می آیند.

اعتصاب و اعتراض کارگران ایران ناسیونال

روز سه شنبه ۱۸ شهریور ماه، اعتراضی از طرف کارکنان کارخانه کارگران ایلان در آن گشته می شود. کارکنان کارخانه کارگران ایلان در آن گشته می شود. کارکنان کارخانه کارگران ایلان در آن گشته می شود.

اعتصاب دانش آموزان اصفهان

در نخستین روز سال تحصیلی جاری، دانش آموزان در اصفهان اعتصاب کردند. دانش آموزان در اصفهان اعتصاب کردند. دانش آموزان در اصفهان اعتصاب کردند.

اعتصاب گسترش می یابد

به وزارت گسترش و تعلیم حین صوبی طی دو روز اخیر در کشور، اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد.

اعتصاب پزشکان فارغ التحصیل

پزشکان ریبه نت بیمارستان های دانشگاهی تهران طی هفته گذشته اعتصاب کردند. پزشکان ریبه نت بیمارستان های دانشگاهی تهران طی هفته گذشته اعتصاب کردند. پزشکان ریبه نت بیمارستان های دانشگاهی تهران طی هفته گذشته اعتصاب کردند.

اعتصاب گسترش می یابد

اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد.

اعتصاب گسترش می یابد

اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد.

اعتصاب به دیوار استبدادی می خورد

دیوار استبداد استبدادی می خورد. دیوار استبداد استبدادی می خورد. دیوار استبداد استبدادی می خورد. دیوار استبداد استبدادی می خورد. دیوار استبداد استبدادی می خورد.

اعتصاب گسترش می یابد

اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد.

اعتصاب گسترش می یابد

اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد. اعتصاب گسترش می یابد.

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!

هنرنامه نویسندگان

سال سوم - شماره ۲۸ - یکشنبه ۹ مهر ۱۳۵۷

تهدید هیئت تحریریه نوید به کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سی هشتمین سال فعالیت حزب بوی بهاری را که مزده داده بودید، می شنویم

سی و هشتمین سال فعالیت حزب توده ایران در خرابی آغاز می شود که گردبادهای انقلاب و کجاست استبداد سلطنتی را رنج وین می لرزاند و هشتاد و پنج سال از تاریخ وین می لرزاند و راه مقدس خود را در میان باران گلوله و در سایه خون و صاعقه های آتش و توحش و سرزنش بازمی کشد و ظلمتدانه پیش می رود. همان زمان زار و زخمی شده ای با آواز گریه مرده توده نویسنده ای طبعی و حال ضایعی است تا با دروهای آتشین و گل های سرخ خشمگین که شتاب می کنیم. در فراز و فرودهای سالان پر فراخ اخیر حزب و نوشته های تحریکات گرا ساری که در آن برای طیف کارگران و سوسیالیست مردم به بار آمده، مرور و مکتوب می کنیم و اساساً راه پیروزی می بردیم. با اینکه برای دست آوردها، صیقل و جلا دادیم.

ما سنگ بر سر چهار راه حادثه خبری رسیده ایم که از هر یک از راه های آن نوازی از تهی و کینه و دسیسه و امپریالیسم و امید و توپ و سرباز می بارد. از یک سو ما دست خطیات هیئت مرکزی رژیم شاه و ترکا، علیه حزب توده ای ما همان امسار کسمه و خشمناک شده که از طیف هیئت دولت تا پارلمان و سیاسی، از رادیکال و سوسیالیست های دولتی تا بورژوازی های زیر طاوور را سوزاند. از یک سو ما در میان کارخانه ها و کارگاه ها و کارگران و سوسیالیست های آتشین و دروغ و لجن پر آبی ما و آواک سخت به آن مشغول شده اند - و اوسوی دیگر گروه های انقلابی و توده دار و دسیسه های ما خوشبختی - نه فاسنی احزاب ملی الساعه ای که کهنه از آسین سیاه و آواک

خبر بجای سرمقاله

به مناسبت آواز گمیری بی سماعه نظرات و سربلای اعماسی که جنبش دموکراتیک و انقلابی میهن ما را وارد مرحله نویسی کرده است و با توده به سان نور سندی که رژیم در اسن لطافات صاس و صاسی بیرونی را ساط صمصی حاکم کرده - هات خبری بریده نویسنده مصمم گرفت این هیئت با حد سرفعاله - های پیشرو را برای امسکای رویدادهای امسکرا و اخبار بیرونی به پیکار مردم دلیر میهمان تا می کشد. نمسا به خاطر سرامک پیش از پیش خبرها نویسنده هیئته به های روز شنبه - استبا کسبا یکسکه سمنند در تا امکان دانسه با دهمسرای های هر چه پیشرو را تا آخرین لحظه مقد و رس میگی یارد.

گزارشی از هیئت اعزامی نوید به طبس صدای مرگ شاه، بر روی ویرانه های خونین طبس

با زامندگان زلزله طبس، آنها که خانه های خشت و گلی بر سرشان فروریخت و هزاران نفرشان را در فلج گوهر ایران برای همیشه خاموش کرد، هنگام باز دیدن پاشی شاه و همسرش از مناظر زلزله زده از آنها استقبال عبرت انگیزی کردند. ۲۸۸۸ تن قبل از باز دیدن شاه، چند هواپیما به طبس رسید. این هواپیما های ارتش افراد گسار و ملطیاتی را با خود داشتند. گاردها طبق معمول همه جا را به دقت زبورو کردند و در تمام منطقه مستقر شدند. ۲۸۸۸ تنی در میان خوابه های کتا چندین پیش خانه بودند و اکنون گو و هزاران انسان شریف ایرانی هستند. در گو رستان های عمومی به با داری مشغول شدند در حالی که سطلها بیجان آماده شلیک بود. دهها زلزله زده بیجان و گروه گمراهی از مردم که برای کمک به زلزله زدگان رفتند بودند. دیده شد که پیش رویان صدها جا در آتش خانه و توالی صحرایی برای استقرار گاردها به سرعت آماده شد. در حالی که در همان موقع، به روستا های ویران شده حتی یک جا در نرسیده بودند گروهی از کسبای طبس که به طبس آمده بودند و در راه اختیار نداشتند. آنها بی هم که جا در نبود، از آتش خانه و توالی صحرایی خبری نبود. زلزله زگان شگفتگی می دیدند که چگونه می شود امکان آنها را جفا کند تمام مردم کرد. در حالی که اولسن جا در های دولتی بعد از روز به منطقه زلزله زده رسیده بود. مردم می دیدند که همه گروه های دولتی برای نیابتی آمده اند. کارها همه کامیابی است گروهی از مقامات دولتی سرگرم چاره اول کمک های رسیده اند و سارا هم با خودی این منطقه مصیبت دیده آورده اند. آنان می دیدند که چند تنگی طور نمایندگان رایه جان هم انداخته است همه می خواستند روشنی بیابند. کسی به فکر مردم نبود.

در عرض مردم، روحانیون آ زادی سفاوه، دانشمندان مردمی، پزشکان شریفی که در طلبنامه آمده بودند، مقامی که از شهران آمده بودند قصابی که خودشان را از زنده رسانده بود، همگی هر چه میخواستند، تلاش و فداکاری و همکاری می کردند به مردم - فقط به مردم - می اندیشیدند. مردم طبس، آنها که زنده مانده بودند با هیئت های رژیم رایه چشم می دیدند، با گوشت و پوست و استخوان لیس می کردند در چنین اوضاع و احوالی بود که شاه که به دنبال شمشیر صوع همسر خود پیروزی و برانه های خونین طبس، آمده بود تا مردم را بفریبد، به طبس وارد شد. مطوعه ای که هواپیمای شاه در آن نشست چند مدتی با جا درهای اندکی که برای زلزله زدگان برپا کرده اند فاصله داشت. گاردها بین جا درها و هواپیمای صفت کشیده بودند صیلا هم به هیچکس گفته نیامده بود که شاه چه وقت خواهد آمد. فقط گروه اندکی از زلزله زدگان برای اجرای نیابتی صفت به اطلاع "مطرف شاهانه" می رساند آورده شده بودند. شاه در طبقه های امنیتی - آزاده داشت و گاردی ها هم طبقه دیگری به دور از ده بودند. وقتی همه متوجه شدند شاه آمده است یکی از میان مردم از آیت الله خمینی نام برد و بقیه به باطلوات فرستادند. این عمل چند بار تکرار شد. به دنبال آن مردم با خشم و غرور صف با موران وارد مردم گشتند و شاه را محاصره کردند. چهره های گزشتند که شاه شورا و غم می بارید و اولسن نظر پیرو مردمی بود که به صدا درآمد.

درد به کارگران پیکارجوی صنایع نفت

کرده است. رژیم گوینده است با اعزام سربازان و افرادنی ارتش از شهرهای خوزستان به عارک جای کارگران اختصاصی را بر کند. اما به سبب عدم تفهاسی نظامی اعزامی با کارهای فنی مربوطه. با رگیری نفت با کندی بسیار صورت می گیرد. اعتصاب بر فرقه، کم سابقه و سراسری دهها هزار کارگر و کارکنان صنایع نفت کشور در خرابی که رژیم تصور می کرد با کودتای نظامی خونین خود می تواند از آنجا رات انقلابی مردم ایران جلو ببرد و خشم عمومی طلق را سرکوب کند، با ر دیگر نشان می دهد که جنبش طلق با استفاده از ریبو های گوناگون مبارزه راه خود را به پیش می کشد و اقل آینه ای در روشن و تابان است به ویژه که طبقه کارگران ایران با کام های موزون و پیگیر خود برای نیل به ما نانه در میانه های این جنبش، پیکار گسترده ای را آغاز کرده است. ما از همه کارگران ایران دعوت می کنیم با پشتیبانی فعال از مبارزات برادران امتصاسی خود در قاسمات و دیگر اوضاعی که بر ما بندها می بویستند به اعتصاب سراسری و ارتقاء خواست ها و تلاش های آن، متعلق طبقاتی خود را در مبارزه با رژیم سلطنتی استبدادی و برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی قوام و استحکام بیشتری بخشد. صفح ۲

به دنبال اعتصاب با کتوه بخش از ۴ هزار کارگر صنایع نفت کتو در تهران، آبادان، اهواز، گساران، آغا جاری و ... و زود مردم سراسریه کارمندان پالایشگاه نفت آبادان که در حدود یک هزار نفر هستند ضمن تطبیق عفا دعوات های ضعی خود به رهبری پالایشگاه، مهلت کوتاهی برای انجام خواست های خود تعیین کردند. کارمندان پالایشگاه تهدید کردند که در صورت عدم تطبیق تمام این خواست ها دست به اعتصاب خواهند زد. کارکنان سازمان صا و مصرف نفت آبادان نیز مانند کارکنان سایر پتقا و مصرف صنعت نفت تهران، به عنوان اعتراضی دست از کار کشیده اند و خواست های خود را که با دعوات های کارکنان تهران هماهنگی دارد اعلام داشته اند. کارکنان پتقا های فرعی نیز در شهر اهواز، تبریز، همدان، اهواز، با اعتصاب سراسری کارگران و کارمندان صنعت نفت دست از کار کشیده اند.

از روز ۵ بهرام صدها هزار کارگر گزشتند و مختلف صنعت نفت در عارک نیز دست از کار کشیده اند. اعتصاب پر شور این کارگران، به ویژه در قسمت حرکت با ۴۰۰۰ نفر که کار حمل و نقل و سایر رگیری های شگفتی راه می دهد، در صلا کار صدور نفت عام از این جزیره را دچار اختلال

مردم ایران توطئه علیه آیت الله خمینی را محکوم می کنند

قرايط تاریخی و دامن هزاران قربانی توانسته است "سنگاه استبداد" را بسته به بیگانه رادر سرایش بطوطه قرار دهد. جنبش ملی و روحانیون مبارز و خونی سفاوه ایران برای اعتراض و ابراز انزجار نسبت به این اقدام دولت عراق که طیف مبارزات آزادیخواهان و استقلال طلبانه مردم ایران متوجه است، روز یکشنبه نظم بهرام (امروز) با اعتصاب عمومی اعلام کردند.

ما ضمن محکوم کردن این توطئه کثیف، که نه تنها متوجه آیت الله خمینی بلکه متوجه جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران است، پشتیبانی قاطع خود را از این اعتصاب عمومی اعتراضی اعلام می داریم و از همه کارگران و صنعتگان شهربوستان و دیگر اقشار ملی و دموکراتیک دعوت می کنیم که با پیوستن به این حرکت اعتراضی، در مردم شکن این توطئه فریاد و فدای لاله مبارک گزشتند.

جنبه ملی ایران، ۲۰ بیت الله شورا، جمعی از روحانیون تهران و نیز جمعیت طرفداران ایران هر یک طی اعلامیه پر شور این کارگران، به اول بهرام منزل آیت الله خمینی، در صحرای شمیمان جهان توسط برجسته ملی و آزادیخواه و در شهر نجف به محاصره ما موران دولت جمهوری عراق در آمده است به طوری که از هرگونه ضایعی اینان و نیز از هرگونه تکیه مذهب و سیاسی ایشان جلوگیری به عمل می آید. این اقدام خیرانه که بیگانه کشی یک توطئه کثیف و پنهانی است که دست های رژیم صهیونیستی و دموکراتیک شاه در پس آن هویداست، به علی غم و انزجار مردم مبارز ایران را برانگیخته است.

جنبه ملی ایران در اعلامیه خود به روشنی طلق نشان می دهد که جمهوری عراق که از مدت ها قبل در حرکت های فدومنی همگام با حکومت استبدادی ایران عمل می کند در تکیه های به چنین اقدامی شرمناک از دست زده که ملت نامیده دنبال ما لیاها مبارزه می آید و در سخت ترین

با اعتصاب عمومی سراسری کودکانی نظامی شاه را خنثی کنیم!

نبرد اعتصابی هزار کارگر گشت و صنعت

اعتصاب پرخروش هزار کارگر رگروکار رگروکار گشت و صنعت کاروان (که از روز سوم میروماه آغاز شده) به طور یکپارچه ادامه دارد. اعتصابگران در محوطه کارخانه (انجمن) اعتصاب میکنند اما هنوز هیچ کسی برای مذاکره با آنها پاسخ نگذاشته است.

اعتصابگران خواست‌های خود را در ۱۸ ماده تدوین کرده و تاکید کرده اند که برای اجرای خواست‌های خود، هیچ گونه مذری را نمی‌پذیرند و برای تحقق همه آنها به نبرد اعتصابی خود ادامه خواهند داد. کارگران مبارز تاکید کرده اند که به ویژه اجرای ۶ خواست اولیه شان هیچ اعتجایی به زمان ندارد، اما برای انجام سایر خواست‌ها حاضرند صیلت لازم را بپذیرند. ۶ خواست اولیه ۷ هزار کارگر و کارمندان اعتصابی گفت و صحبت کاروان عبارتند از:

- ۱- تغییر نظام طبقه و مدیران عامل کارخانه در خورستان و انتصاب شخصی دیگری فیروز سهندی به مدیر کارخانه
- ۲- افزایش دستمزد دروزان کارگران به میزان حداقل ۷۰۰ ریال و تصحیح آن در مورد کارگرانی که دستمزد پستی دارند.
- ۳- افزایش حقوق کارمندان به میزان ۴۰ درصد بدون احتساب افزایش قانونی حقوق ماهانه.
- ۴- اجرای دو روز تعطیل در هفته و تمام

اعتصاب کارکنان مخابرات

حدود ۲۰۰ تن از کارکنان شرکت مخابرات تهران شنبه ۳ میروماه به عنوان اعتراض به باقی‌ماندن بدون سطح حقوقشان و ویژه درمقایسه با حقوقی که کلان کارکنان و کارکنان خارجی شرکت دست به اعتصاب زدنند که با تامل سازمان مخابرات به سر آوردن خواست‌هایشان موافقا به سرکار بازنگشته‌اند اعلام داشتند که در صورت عدم تحقق خواست‌های خود با دیگر اعتصاب حق جوانان خویش را آغاز خواهند کرد.

کارکنان کاخ مخابرات تهران در دست‌های ۱۱۸، ۱۱۶، ۱۱۴ که تعداد آنها بالغ بر ۱۰۰۰ نفر است صبح شنبه میروماه (پنجم) به عنوان اعتراض به کمی حقوق و شرایط کار با دیگر اعتصابی‌ها دست به اعتصاب زدند. اعتصاب‌کنندگان شدیدترند که در صورت ادامه بی‌توجهی به خواست‌هایشان شنبه ۱۵ میروماه مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

شرکت مخابرات ایران از سال ۵۶ بنا بر یک قرار داد یک جانبه و اسارت با رتبه نظر شرکت آمریکایی ریل اداره می‌شود و شرکت آمریکایی و فلیپینیی در این بخش‌ها می‌کنند که این شرکت را گرفته‌اند. حتی نگهبانان درهای ورودی شرکت واقع در ده قدم شیران نیز آمریکایی هستند. به این کارکنان خارجی حقوق‌های گزاف چنده هزار تومانی و مزایای استثنایی پرداخت می‌شود. به این حالی که حقوق کارکنان زمینکنش ایرانی این شرکت به زحمت کفاف احتیاجات اولیه زندگی‌شان را می‌دهد که تازه بخشی از آن هم در نتیجه گرانگیزگی تورم فرایند به غارت می‌شود. به این مواضع هزاران کارگر و کارکنان زمینکنش این شرکت را برانگیخته است و آنان شصت هزاره چاره را در بیکار ماندن برای کسب حقوق حقه خویش و تفکلی و زنی در سنگی واقعی و مدافع منافع خویش یافته‌اند.

تظاهرات بزم آرزوهای آبادان

به مناسبت چهلین روز فاجعه دلخراش کوره آد مسوزی شاه در سینما رگروکار آبادان و شهادت بیخیزان ۸۵۰ نفر از هویتان بی گناه ما، در روز پنجشنبه ۶ میروماه نفر از مردم آبادان و دیگر شهرهای خوزستان که برای شرکت در این مراسم خود راه آبادان رسیده بودند در بزم آرزوهای آبادان شرکت کردند. این شهر جمع شده با حکومت نظامی در خوزستان این شهر جمع شده با شعار "مرگ بر شاه" یکبار دیگر اعلام داشتند که تا برپه شدن بساط سلطنت استبدادی از بساطی نخواهند نشست.

مردم در محاصره نانک و زره پوش و کامیون‌های مطواری سرپا بران مسلح چنانچه به سرپا بران تیرباران کردند: شاه ما دشمن است، شاه مطلمان کش است، شاه ترمای کشم، برادر ارتشی چو برادر کشم؟

گزارش‌های رسیده حاکی است که مردم دهستان گل به طرف سرپا بران مسلح که در کنار رگروکار مسفرده و ساواورگ کامیون‌های ارتش بودند تیرباران کردند و بار دیگر پیوند ناگسستی خود را برپا کردند که اشک در چشمانشان حلقه زده بود و خود را در سوگ و ماتم مردم شریک می‌دیدند، به آنها یاد آوردند. مردم یکبار دیگر به برادران ارتشی خود نشان دادند که شاه با کلوله باران مردم توسل در زمینان ساواورگ در لباس ارتش و امداد‌های دست‌جمعی دربار دگاها، نمیتواند پیوند غلطی را که میان سرپا بران و ارتشمان آزادبخواه و مردم وجود دارد، پاره کند و آنها را برای همیشه رودر روی هم قرار دهد. این تظاهرات هر چه رو باشکوه بدون حالت سرپا بران پایان یافت.

گلوله باران مردم مبارز قم

از قم خبر می‌رسد که گلوله باران شاه یکبار دیگر مردم مبارز این شهر را به گلوله بستاد. گلوله باران مردم در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه صورت گرفته است هنوز تعداد تلفات مشخص نیست. تظاهرات از بعد از ظهر چهارشنبه در جریان مجلس علم فیزیک دانشگاه گلپایگانی در اطراف محوطه گلپایگان مسجد شاه شروع شد. عده زیادی در جریان این تظاهرات دستگیر شده‌اند.

اعتصاب کارگران شرکت راهسازی

کارگران شرکت ماسین‌های راهسازی در اهواز در نخستین روز میروماه دست به یک اعتصاب همگانی زدند تا به وسیله کارفرما را مجبور به قبول خواست‌های حقه خود کنند. طبق گزارش‌های رسیده در دو میروماه اعتصاب کارگران یک صیلت ۲۰ روزه خواست‌های خواست‌های کارگران را رسوا کرده کند. کارکنان ضمن پایا ندادن موقوفه اعتصاب خود، اعلام داشتند در صورت اجراء نشدن خواست‌هایشان تا پایا نپذیرند تصمیم شده با دیگر دست از کار کارگران خواهان افزایش دستمزد، حق مسکن، تجدید نظر در معرجه سالانه و افزایش آن، تغییر بخشی از مدیران، تغییر ساعت کار و تعطیل شدن کاشن حق بیمه، بهبود کیفیت غذا و آب سرد شدن سرویس رفت و آمد هستند. کارگران همین‌ها خواهان برپایی جلسات ماهانه با شرکت مدیران مسئول برای رسیدگی به مشکلات کار می‌باشد.

بوی بهاری را که مژده داده بودید...

بسی فراتر از ناسی زنده ماندن و ولایت زبستان است. ملامت مردم نبرد را به دوش گرفته و آن را بر فراز کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها، گوجه‌ها و خاستان‌ها، مدرسه‌ها و خانه‌ها به اعتراض درآورده است. حزب توده‌ای ما به بهای آزادی و زندگی بهترین و شریف ترین مبارزان و فرزندانش و قادیار علم و مارکسیسم و مین، صیقلات و نتایج تظاهرات و تظاهرات‌ها می‌باشد و پرده از حکومتی که غلبه کرده و بسا گسترش دیوارهای ماضور و احتیاج از طریق انتشار بیان وسیع انقلابی و مارکسیستی، خبرهای اشتراک‌گرمی‌ها و اصماتی که چون هوای تازه بر مویسای رژیم استبداد سلطنتی می‌وزد آفراننده ذره از هم می‌پاشد، نه در میدان حرف، بل در میدان عمل با تمامی قیامت با رژیم درنده، چپا و لنگر و گندیده و ایران برپا داده‌اند - ساواک گلایسر شده است. این افزایش آزادی شایسته گدای به کار گشته است.

تخلیج و ترویج، متناسب با شرایط ویژه ایران در همین حال که تلفات و خسارات و باغات مبارزه راه حداقل ممکن رسانده‌اند، مدعا و هزاران بار بیش از هزاران و تشکیلات دیگری زیر مالک بردای مارکسیسم تنها به شفاور حرف و نشوئی با آزمون دوباره و چندباره تهریماتی که در گروان عمل، شکست و پوچی آنها ثابت شده است در قضا ترک کردن نشوئی و پراکنج جنبش انقلابی مینماید. در افتادن بدین جهت یعنی علمی و انقلابی در میان طبقه کارگر ایران، در رصاگردن رژیم استبدادی و غارتگری منگی به امپریالیسم، موفق بوده‌اند به نبرد ماکه حق حزب تنها و فیروسانان لقب گرفته، در آغاز سی و هشتین سال حیات بر حادانه

- صدای مرگ شاه ...**
- آجی جناب سرهنگ ... آجی شاهنامه! مردم را چرا می‌کشید؟ مردم را نکشید...
 - رنگ از روی شاه قدر قدرت! بریده بود. بزرگ ارتشداران! با همان نخوت صیقلی‌گشت!
 - ما مردم را نکشیدم ... زلزله کشت.
 - پیرمرد فریاد زد:
 - تهران را می‌گویم ... منظورم میدان زلزله است!
 - چرا مردم را نکشید؟
 - شاه نکود کرده بود. به شدت عرق می‌ریخت.
 - فکر نمی‌کردم کسی که قهریبخت و صمیمت می‌طلبم آنها را زدم شکست، این طور با او روبرو شومند.
 - زیر لب زدم کرد:
 - دولت در این باره گزارش داده ...
 - ما موران پیرمرد را کتاکت کرده‌اند. جوانی رودر روی شاه ایستاد. گفت:
 - من بزمگم ... می‌دانید خانه ما چو اعراب شفا به دست و رفح با ختن خانه آجری در طریس منوع بود. برای حفظ به اطلاع یافت قدیمی شرکه به درنشان دادن و بز دادن به خارجی‌ها می‌گویم. به دست و رفح همه خانه‌ها با بدخت و گلی‌باخته می‌شد.
 - بعد پیروزی طلودوبه، چهره اش و چادرش غونی بود. فریاد زد:
 - ۱۸ نفر از ما مایلم کشته شدن. از هزاران چادر هزار تابه ما مانده، بقیه رو زدندین.
 - شاه ما را کتاکت کرده بود. عرق ترس و مرگ می‌ریخت.
 - پیرمرد دیگری جلو بودید. داد زد:
 - دولت هیچ کاری نکرده، اگر کمک مردم نباید ما مرده بودیم.
 - در این موقع از طرف چادرهای طلوات شنیده شد. بقیه زلزله زدن متوجه حضور شاه شده بودند و آمدند با ختن خود را نشان کردند. شاه شاهان هم که استادفرات است، ملافه‌ها چیمند و درحالی که فرار بود از چادرها دیدن کند، به سرعت برگشت و به طرف هوا پرمای رفت. درهای پلنگ‌ها هوا بیما پیرومی‌ها در هوا به شاه رسد گفت:
 - ما از تو هیچ توقعی نداریم. فقط یک مدیر خوب می‌خواهیم که خودمان کارمان را انجام بدهیم.
 - شاه گفت: چشم!
 - و به سرعت خود را به داخل هوا بیما انداخت.
 - این اعتراض خلقی زلزله زدن را بلندگوی ساواک زده به صورت استقبال آژانه و نکات به او "منگسگ کرده و رادیو دولتی هم گفت که شاه از چادرها باز دیده کرده است. زهی بر این همه بی شرمی! وقتی شاه رفت، کارده‌ها هم چادرها، آژیزخانه و توال‌ها را جمع کردند و با خود بردند.

گویی	کار
پیام به: احمد سروری	

نامه ای که به شما رسیده از طرف حزب توده ایران است. امیدواریم طبق آن عمل نمائید.

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!

نویسنده

سال سوم، شماره ۴۹، ۴شنبه ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)

دورنمای رژیم شاه و افق های جنبش انقلابی میهن ما

در حالی که پیش از یک میلیون کارگر و کارمند و پزندگ و پیشه وروگان و محصل درس و شرکت و درگیر بزرگترین اعتصابات رزومی تاریخ معاصر ایرانند، در حالی که امواج خروشان نظامی و اعتراضی و تضامینات محکوم گذشته سیاسی نزدیک به ۴۰ شهروند کوچک و بزرگ و حتی دانشجویان را گتو ررا در می نوردد، در حالی که دهها کشته، صدها مجروح و بیش از دوهزار دستگیر شده تظاهرات و اعتصابات و مبارزات متصو و بسیار گسترده هفته جاری نشان از زلزله ها و آشفتنان های رعب انگیز می کنند که تمامی سطوح و اجزای جامعه ما را فرا گرفته و بحران عمومی را با ناپذیری راجون آ و ار سرسر رژیم شاه و رژیم کارگزاران است، دولت و ارگان های اجرایی و وسایل ارتباط جمعی، با چشم های بسته به روی این همه صحنه ها جا مانده و گوش های گرفته در مقابل این همه غرش ها و تندی ها و نیرودستی ها، سخن از آرایش سیاسی و اوضاع مملکت و بیطرفی آخر به اصلاح آتش نشانی می کنند. گویی آب از آب گران ندرده و همه چیز به کام حکومت ضامی است. این سیاست گتکنان حقایق و لاجت با با اقیامات و عاغا کردن اوج گیری و نظام دریا و از نیرد خلق فیمام کرده، به روشنی گتند وجود و طبیعت استبدادی رزومی را که با استقامت و جهره های آزادی مطبوعات و حق بدینی مردم را در آگاهی از رویدادها و ضرورت باز شدن فضای سیاسی مملکت فریاد می گتد، بر ملا می گتد. این سیاسی قد مردمی که منگی به اغوا و دروغ و پند و پیروی حقیقت است، در عین حال به طرز عبسرت انگیزی تأکید می گتد که رژیم مستبد و آزادی گت " شاه - ساواک " نه تنها از گتشته های تلخ و صیت، نیا میوخته، نه تنها استمداد افرا گیری و این تجربه را ند آرند که شیوه ها و طرز حکومت سابق علا به افلاخی و ورگتگی گتیده و ادامه دهن روش های حکومت به شکست، تنها کور عالین آن را عمیق تر و روز گتفن و دفن رازندگ ترمی گتند، بلکه گتترین تضامین نیز به سر بردن از گتشته های رسوای خود ندارند. با درک عمیق این واقعیت برای روشن بینی بیشتری می توان حرکت های بعدی و عکس العمل های احتمالی رژیم و امپریالیسم جاسا و در جریان حکومتی و رشد لحظه به لحظه جنبش عظیم ملی و دموکراتیک میهنان که با تمام عشم

و نیرو بر ستون های استبداد سلطنتی می کوبد و به یمن انقلاب، از جرحا حسی، توانا ترمی شود، پیش بینی کردو بر تالونه این پیش بینی و سبیل لازم را برای مقابله با آن تدارک دید. هر روز که می گذرد، انقلاب یک گام به پیش برمی دارد و ارتجاع سلطنتی ناگزیر گامی به عقب رانده می شود. جنبش تظاهراتی و به ویژه جنبش اعتصابی اگر نتواند و گتشن با بدو همه ارگان های احتمالی را فرا گتد، از گتارتش می هام گتد خطر نریست. تحمل این وضع برای شاه به مثابه پذیرش مرگ تدریجی رژیم است. اواز انشوع تجربه ها و لشکردهای که ههفته داشت برای حفظ مواضع اصلی خود، استفاده کرد. اما نه تغییر دولت و جابه جا کردن مهره ها و عروک ها، نه عقب نشینی های جزسی از قبیل تعطیل وفدا گردن چند روزی و وکیل و مور در نه دوهوه و چهار که تنها نشن افتاده دزد راد بخای افسار گتخته راه که او وفا نوا ده ا و فامیلش در وطن ما به راه انداخته بودند، داشتند، نه انحلال حزب ساواکی رست خیز و آزاد کردن سوری بعضی از حزب و سازمان ها و گروه های سیاسی و به راه انداختن خیمه شب بازی های دموکراسی در مجلس انتصابی، نه صدور بخشنامه ها و اعلامیه های برزوز و سرق دولتی که پس از آن همه غارت و زور گویی و گتکنه جسی و روسی و تحقیر مردم، حتی سی تواند اثر یک قرص مسکن را داشته باشد، در فریب مردم و فرو گت کردن امواج بر تلافی جنبش، موثر واقع نشد. بر عکس هر چه طبیب نشینی، آنجا میارزد و شوهر انقلابی خوده ها را دامن زد، تا آنجا که مردم با تمام قاطع و نهایی خود را به این عوام فریبی ها با تمام هرات بی سابقه به چهار میلیون نفری گتور در روز عید فطر و تظاهرات یک میلیون نفری تهران در روز پنجمینیه ۱۶ شهریور دادند. این تضامینات عظیم ملی و رزومی با شمارهای انباشته و مریج ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی و آزاد بخوا هانه در واقع و فرا تندی می بود که حکومت گتکنان را عزل کرد و به نفع یک دگرگونی بنیادی همه جانبه در تمامی عرصه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و فرهنگی و نظامی رای داد. پس از این واقعه تاریخی، شاه اگر می خواست خود را به مردم تحمیل نکند، راهی جز دست یازیدن به یک کودتای نظامی نداشت.

رناله در صفحه ۲

اعتصاب پر شکوه کارگران صنایع نفت گسترش می یابد

امواج خروشان اعتصابات کارگری، علی رغم دروغ پراگنی های رژیم در روزی تا به های ساواک زده و بلندگوهای جیره خوار رژیم، تمام صنایع نفت خوزستان و نیز اکثر بخش های صنعتی و اداری صنعت نفت در تهران را در بر گرفته استواران کارگر رزمنده در واحدهای مختلف صنایع نفت با دست گتشدن از کار به حدا اعتصابیون پیوسته اند. آخرین اخبار رسیده به ما از گتشنر دا منته این اعتصاب تو را نکیز و بانکوه حکایت دارد. بازده هزار کارگر با لاینگاه آبادان، این مرکز عظیم صنعتی، نیز با اعلام خواست های ۱۵ ماده ای خود که مهمترین آنها اذاع حقوق، تا مین مسکن و اجرای طبقه بندی معادل کارگری است، به نبرده اعتصابی برادران و خواهران خود پیوسته اند. پیش از آن کارگزاران صنعت نفت در آبادان که حدود یک هزار نفر هستند اعتصاب خود را آغاز کرده بودند. کارگرای که در واحدهای حاسا مریوط به تهیه و تولید نفت در پالاینگاه آبادان کار می گتند، اعلام کرده اند که ضمن پشتیبانی کامل از اعتصاب، به خاطر جلوگیری از زیان های اقتصادی و مشکلات عمومی به کار در بخش تولید ادامه خواهند داد. این کارگزاران تأکیدی کرده اند که در صورت لزوم و بنا بر تشخیص عمومی کارگران دست از کار خواهند گتشد. کارگران کارگاه مرکزی شرکت نفت آبادان و نیز کارگران و کارمندان اداره حمل و نقل که جمعا متجاوز از چهار هزار نفر هستند به پشتیبانی از برادران اعتصابی خود و نیز اعتراضی به کسی دستمزدهای شان دست از کار گتیده اند. ضمنا از روز دوشنبه ۱۰ مهرماه پیش از ۴۰۰ کارگر شرکت درختان و فولاد مهر که پیمانکاران حمل و نقل شرکت ملی نفت در آغا جاری هستند و نیز کارکنان فرونگاها و انبارهای مرکزی سازمان تعاون صنعت نفت به پشتیبانی از اعتصاب بانکوه برادران طبقاتی خود اعتراضی به کمی دستمزده و شرایط دنوار کار به اعتصاب پیوسته اند. بنا بر آخرین گزارش های رسیده، اعتصاب کارکنان صنعت نفت در خاگ، اهواز، تهران، آبادان، گچساران و آغا جاری ادامه دارد. ما با ردیگزار همه کارگرایان ایران دعوت می گتیم که به پشتیبانی از برادران اعتصابی خود بر روی اعمال فشار به رژیم ضد کارگری به منظور تحسین خواست های صنعتی و رفه در درجه اول کوتاه گت کردن دست ابادی رژیم از سندیگاری کارگری و فرا هم کردن زمینه برای شکل وسیع طبقاتی در سندیگا ها و اتحادیه های واقعی کارگری و نیز ختشی کردن کودتای نظامی و جنبش شاه و اعتراضی به قتل عام مردم آزادیخواه و میهن پرست، به شهادت اعتصابی سرایی پیوستند.

اعتصاب کارکنان مخابرات ادامه دارد

اعتصابی به گزارشگرما که برای گتفکو با اعتصابگران که در ساختمان مرکزی شرکت واقع در میدان سپه در محاصره نیروهای مسلح ارتش قرار داشتند رفته بود، گتت: ما می گوئیم چرا باید یک تکسین آمریکا سی در ماه ۱۲۰ هزار تومان حقوق بگیرد و کارمندان ایران حقوق آنقدر اندک باشد که نتوانیم خرج زندگی خانواده خود را تا مین گتیم؟ چرا او باید با سوممیل سار گزاقیمت به سرکار بریادو ما حاسی برای رفتن به ما موریت شهرستان ما هنیر با اتوبوس های فراخ و خرنناک سفر کنیم؟ کارکنان شرکت مخابرات اعلام داشتند که تا نطق کامل خواست های شان به اعتصاب متشکل و حق طلبانه خویش ادامه خواهند داد.

اعتصاب یکپارچه کارمندان، کارگران فنی، تکنسین ها و مهندسان شرکت مخابرات در تهران و شهرستان ها که از روز شنبه ۸ مهرماه آغاز شده است همچنان ادامه دارد. کارکنان مخابرات خواست های خود را طی اعلامیه ای انتشار داده اند: برادری میزبان شغلی بر اساس مصوبات سازمان امور استخدامی، افزایش مزایای تنفسی به میزان پنجاه درصد، افزایش حقوق به میزان ۵۰ درصد، رفع تضامین در پرداخت وام مسکن، وام ضروری و دیگر واحها میان کارمندان مقامات عالی رتبه، پرداخت هزینه مسکن تا زمان اجرای طرح مسکن کارمندان، و بالاخره واگذاری کلیه امور اداری و فنی شرکت به کارمندان، تکسین ها و کارکنان ایرانی خواست های اساسی اعتصابیون را تشکیل می دهد. یکی از کارمندان

اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر کارخانه ارج

پس از ۲۵۰۰ کارگر کارخانه ارج از روزیکشنبه ۹ مهرماه برای دوسین بار در یک ماه اخیر دست از کار گتشدند. کارگران اعتصابی خواهان افزایش دستمزدها، دریافت کمک هزینه مسکن و برکناری مدیران کارگاه و مورمالی کارخانه هستند به آخین نامه به کارگری " انضباطی " اعتراض دارند. کارکنان این کارخانه در شهریورماه گذشته به یک اعتصاب دوهوزه دست زدند و بعد از قولهای مساعد کارفرما به سرکار بازگشتند اما وعده های داده شده هیچ از آب ندرده. به قرار اطلاع در پاسخ خواست های طناسی کارگران، به دستور کارفرما از دوشنبه شرکت گتشته درهای کارخانه را به روی کارگران بسته اند و از صبح به شنبه کارخانه به محاصره نیروهای مسلح رژیم مدافع سرمایه داران درآمده است. از میان روز کارفرما از فرستادن سوسنی های سرسویی برای آوردن کارگران به کارخانه خودداری کرده و کارگرایان که مجبور شدند به هرسوله خود را به کارخانه برسانند و در های بسته و ما موران مسلح رژیم که از نزدیک خد نشان به کارخانه جلوگیری می کردند، و ریسور شدند. کارکنان اعتصابی که ریدرگما هیت ضد کارگری رژیم شاه را تجربه می کردند، با ختم گتشدن این خانه ماست و با خون و نیروی کار ما برپا شده و از شیره جان ما میلیون تومان سود به جیب گشاد چپا و لگران سازمان بر کرده اند. هیچ کسی مسلح نماند از ورود ما به کارخانه جلوگیری کند.

اعتصاب وسیع کارکنان بانک ملی

به دنبال اعتصاب بیش از پنج هزار کارمند ادارات مرکزی و شعب بانک ملی ایران که با قول مساعدمشولان دولتی با یک مهلت ده روزه موقتاً پایان یافت، کارکنان بانک ملی به واحده م اجرای تعهدات دولتی، پس از پایان مهلت مقرر از روز یکشنبه ۹ مهرماه، شهادت سیاسی و حق طلبانه خود را از سر گرفتند. اما نظریه های طرح حکومت نظامی با ختمان مرکزی بانک را که اعتصابیون در آن اجتماع کرده بودند محاصره کردند و ضمن تهاجم به اعتصابگران، همه ای را با بازداشت نمودند و کارمندان را از محوطه ساختمان بیرون کردند. اعتصابیون نیز ضمن انتشار اعلامیه ای ضمن محکوم کردن رفتار مزدوران

رژیم برحقانیت خواست های خود تکبید کردند و خواست های مشروع خود را به شرح زیر اعلام داشتند: ۱- ترمیم حقوق ۲- پرداخت وام مسکن ۳- پرداخت خواربوار حق اولاد- افزایش حق رفاه همسران کارمندان - تا مین حقوق همه زنان کارمندان لحاظ گردد و زایمان و افزایش حق لباس بدون در نظر گرفتن نوع ۴- تا مین سروس عمومی رفت و آمد یا پرداخت حق ایاب و ذهاب ماهانه. گزارش های رسیده حاکی است که طی رفسم سیاسی و فشارهای رژیم، اعتصابیون جو پانته کارمندان بانک ملی ایران ادامه داده اند.

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را ختشی کنیم!

اعتصاب اهزار کارمند شرکت بیمه ایران

شرکت های انتظامی معمول است؛
 ۱- دگرگونی نظام اداری و تعیین رابطه مشخصی
 لیاقت و صلاحیت؛
 ۲- اجرای طبقه بندی مشاغل؛
 ۳- تجدید نظر کلی در امور رفاهی کارکنان
 شرکت و بانک بیمه (از جمله خدمات بهداشتی، درمانی و شرکت تعاونی)؛
 ۴- تجدید نظر کلی در میزان حق شغل و حسن مقام کارکنان شرکت و بانک براساس شرایط حاکم در سایر شرکت ها و سازمان های انتظامی دولتی.

از روز شنبه ۸ مهرماه، دوهزار کارمند شرکت بیمه ایران دست به اعتصاب زده اند. اعتصابی اعلام داشتند که هیئت مدیره شرکت بیمه یک بار دیگر بخواهد راهی که برای انجام وظایف آن ها داده بودند عمل نکرده اند و همین دلیل راه دیگری جز اعتصاب برای به دست آوردن حقوق حقه آنها باقی نمانده است. کارکنان اعتصابی نامه ای که رونوشت آن تکثیر و بین آنها پخش شده از جمله خواست های زیر را مطرح کرده و اعلام کرده اند: خواست هایمان از طبقه نباید به اعتصاب حق خواهان خود ادامه خواهد داد:
 ۱- افزایش حقوق و مزایا تا حدی که در سایر

پیروزی اعتصاب کارگران

به دنبال اعتصاب کارگران و کارمندان ۱۲ شرکت بهمانکار کارگری حثاری وابسته به شرکت معتدل اعواز ۵ خواست از ۱۶ خواست آنها مورد قبول اداره کلکار امورخاصی خوزستان قرار گرفت. اعتصاب کنندگان پس از مدتی هفت اعتصاب با لیست پیروزی به سرگرا برگشتند، اما مذاکره برای انجام دیگرخواست های آنها ادامه دارد. خواست های برآورده شده عبارتند از: پرداخت ۱۵ درصد اضافه حقوق، پرداخت ۶۷۰ ریال حق ماوریت به کارگران به جای ۲۱۵ ریال قبلی، پرداخت معادل ۱۰ ماهه حقوق به خانواده کارگران، خارج از واحد کارگری می کنند، افزایش حق کرایه خانه کارگران از ۲۷۲ تومان به ۵۰۰ تومان پرداخت معادل ۲۰ ماهه حقوق به خانواده کارگران با کارمندان که حین انجام وظیفه فوت می کنند (این مبلغ از صندوق تعاونی تجاوز نخواهد کرد). کارگران و کارمندان ۱۲ شرکت زیربورد اعلام اعتصاب کرده صورت عدم انجام سایر خواست هایمان، با دیگر نبردها اعتصابی را از سرخواهند گرفت.

اعتصاب کارکنان آب و برق

کارکنان و کارمندان سازمان های آب و برق شهرهای بزرگ خوزستان مانند اعواز، آبادان، آبدیمک، دزفول و خرمشهر به عنوان اعتراض به پایین بودن دستمزد و دشواری شرایط کار و نداشتن مسکن مناسب از ۹ مهرماه دست از کار کشیدند. در تهران نیز کارکنان سازمان آب و برق و نیروگاه برق فرج آباد به خاطر افزایش حقوق و تأمین مسکن دست به اعتصاب زده اند. کارکنان و کارمندان برق منطقه ای کرمانشاه نیز دست به اعتصاب زده و اجتماع در محوطه اداره برق منطقه ای خواست های خود را دربارۀ اضافه دستمزد، اجرای قانون کار و تأمین مسکن اعلام داشتند.

اعتصاب کارکنان پست و تلگراف

کارکنان اداره پست و تلگراف اعواز، در ضرابی که امروز طوفانی اعتصابات کارگرمندان خوزستان را به لاجرم درآورده است روز پنجم مهر ماه دست به اعتصاب زدند. کارکنان مدرسه درمحل اداره پست و تلگراف اجتماع کردند و خواست های مفروض خود را که در این افزایش حقوق، نسبت خورد و گرانی هزینه های زندگی بود، مطرح ساختند. پس از مذاکرات طولانی اداره کارکنان و دودۀ انجام فوری خواست های اعتصابی، آنان وقتاً به سرگرا برگشتند، اما تا کی گذرد که اگر دودۀ های داده شده بپوش آید، اعتصاب حق جویان خود را از سرخواهند گرفت. در نخستین روزهای مهرماه کارکنان پست و تلگراف ناحیه بهیم قصر دزبهران نیز برای افزایش حقوق تا جایی خود دست به اعتصاب زده بودند.

اعتصاب کارکنان بیمارستانها

بزرگان، پسران، کارمندان بیمارستان های وابسته به دانشگاه تهران روز ۸ شهریور (دیروز) دست از کار کشیدند، یکی از کارکنان اعتصابی در یکی از بیمارستان های تهران حال اعتصاب تهران به خبرنگار توده که برای دیدن به این بیمارستان روع کرده بود ضمن اعلام این حرکت: اعتصابیون به کمی حقوق، استخدام رسمی و شرایط مناسب مدعا حکم بر این بیمارستانها اعتراضی دارند. صحت این خبر را با تلنل به بیمارستان های پهلوی، دانشجو کانون هفا سحاشا به دست آوردیم. در این بیمارستان ها نیز تلفظی مسا و کارکنان و بزرگان بهر اعتصاب را تا کی کردند.

چند اعتصاب دیگر

راندگان کامیون های نفتکش کرمانشاهن پس از یک روز اعتصاب موفقیت آمیز به سرگرا رود بازگشتند. راندگان اعتصابی خواهان رعایت نوبت برای حمل نفت و تشکیل سندیکا بودند و تا قول مساعد مقامات مسئول استان در جهت تحقق خواست هایمان کار را از سرگرفتند.

پس از ۴۰۰ کارگر شرکت پاستورول وابسته به صنایع فولاد اعواز دست از کار کشیدند. آنها خواهان حق مسکن، افزایش دستمزدها، خدمات درمانی و افزایش مدت مرخصی هستند.

کارگران سیمان آبیک واقع در جاده قزوین نیز برای اعتراضی که مستمردو شرایط دشوار کار دست به اعتصاب زده اند.

کارمندان توان بخشی تهران نیز به اسواج اعتصابی را سرای ایران پیوسته اند. آنها به تقلیل با داش با سالیانه کمتر دست.

تظاهرات پرشور دانش آموزان مهاباد

گزارش های که با تاخیر به ما رسیده حکایت از تظاهرات خوراکی و چندروزه دانش آموزان در مهاباد دارد. مدعا دانش آموز مهاباد از روز اول مهر طی چندروز متوالی تظاهرات وسیع و پیگرا پیوسته ای علیه رژیم سفاک آریا مهری و بیگوار آزادی زندانیان سیاسی (به ویژه کسانی که در جریان تشییع جنازه رفیق شهید عزیز بوسی با زاری دست زده بودند) و دهها شعار آزادخواهانه دیگر دست زدند. دانش آموزان مهاباد از ظهر دوشنبه ۱۲ مهرماه در خیابانهای شهر به راه افتادند و در راه های سوزان و فرفریای غم آگین و غمخیزان دگر راه و غارتگری های سفاک زمانه و قتل عام مردم دلیوری آزادخواه کشور را محکوم می کردند. در عصر روز چهارم مهر، تظاهرات آرام این فرزندان دلیر طبق با هجوم دهمنشانه گراز

گزارش های که با تاخیر به ما رسیده حکایت از تظاهرات خوراکی و چندروزه دانش آموزان در مهاباد دارد. مدعا دانش آموز مهاباد از روز اول مهر طی چندروز متوالی تظاهرات وسیع و پیگرا پیوسته ای علیه رژیم سفاک آریا مهری و بیگوار آزادی زندانیان سیاسی (به ویژه کسانی که در جریان تشییع جنازه رفیق شهید عزیز بوسی با زاری دست زده بودند) و دهها شعار آزادخواهانه دیگر دست زدند. دانش آموزان مهاباد از ظهر دوشنبه ۱۲ مهرماه در خیابانهای شهر به راه افتادند و در راه های سوزان و فرفریای غم آگین و غمخیزان دگر راه و غارتگری های سفاک زمانه و قتل عام مردم دلیوری آزادخواه کشور را محکوم می کردند. در عصر روز چهارم مهر، تظاهرات آرام این فرزندان دلیر طبق با هجوم دهمنشانه گراز

دورنمای رژیم شاه

و این همان راهی بود که تا حدی تاجدار در آن گام نهاد و به خاطر ضعف فطری خود حکومت بی باکش و وحشت جنون آمیزش از جنبش مردم مهاباد از غیبت تازه، دریای مرگ و فونی را که بر رژیم او و مردم حایل است، پنهان و رتنگرد، اما بدیدم که حتی کودتای جنایت آمیز شاه با همه سفاکی و کین خویش نتوانست دردی از دردهای بیخا را برآورد کند. برپا شدن تظاهرات عظیم سیاسی در نزدیک به ۲۰ شهر و اوچیزی از وقف روزافزون نسیب در اعتصابی که پیروز از مدهزار کارگر گزینش کارکنان بر جویان را تشکیل می دهند در حدود یک میلیون نفر در آن شرکت دارند، نشانه عملی و روشنگری کودتای شاه ساواک در زیر فشار خردگدانه توده های انقلابی و زرمیده است. کودتا مانند دیگر نسخه های بی خاست و بی دورنمای شاه، جنبش عمومی و مصمم مردم را انقلابی تر و دامنه آن را بهینا و ترسناک تا آنجا که از گودکان دبستان تا خانه نخبینان روستا های دور دست را نیز به میدان مبارکرتانند. اینک نظم کودتا نیز در خطر تلاشی است و با برداشته شدن این صفقوایی سبیل طبیعی که پشت آن انبار شده، به طرز پویان کشنده ای سرازیر خواهند شد. فشاری که در پشت این بد تا طمشن جمع می شود، مردم افزایش می یابد و ... در چنین فضای بی چشم اندازی است که شاه خود را از همین تنها ترویج بی باک تر و آنچه و از هر وقت دگرترتیره تر می بیند. برای او در راه بیشتر وجود ندارد، با و داد کردن با سلطنت که با جوسنی شاهانه به آن جوش خورده و با به استیفال یک ماجراجویی تازه رفتن دست به یک کودتای نظامی خویش نتوانش تزدن، اگر چه به اندجین کودتایی به تنها تصادف های حادث و در حال انجام موجود در حال نمی کند، نه تشییع با یکدیگر بی برای او- در این خلا صبیق اجتنابی سیاسی نمی یازد، بلکه رشتن را به مثابه تشییع کبک گاه او منزلزل تر و غیر قابل اطمینان تر می یازد و جنبش انقلابی طبق های ایران را احتمالاً به سوی راه های جدید مبارزه که بی تک کیفیت عالی تر و انقلابی تر خواهد داشت، سوق می دهد. جنبش سیاسی عظیمی که علی رغم ضعف سازمان های سیاسی خود، این استعداد دگرگرف را دارد که از هر هجوم و حادثه سزنده تر سر برآورد و با هر تفریبی در اوضاع و احوال، متعصبان با آن شیوه های مبارزاتی خود را دگرگون نماید و میلیون ها نفر را در عرصه نبردهای تظاهراتی غیا با نسبی و اعتصابی زرمی گذرده و غا موش نشدنی هدایت کند، به زودی قادر خواهد بود با بهره وری از شرایط عینی و ذهنی مساعد، هم در عرصه جهانی، هم در عرصه منطقه و هم در عرصه داخل کشور، شیوه ها و ابزارهای نوین مبارزه انقلابی را در مقابل به قهر تمام انقلابی و روشنگر کودتای فلفظی، به کارگیرد.

شاه احتمالاً به راه سومی نیز می اندیشد که در وجود آخرین حال خال نظام و رژیم او نظیر امینتی نه تفسیری شود، اگر چه روی آوردن به اما مزاده بی مجزه ای مانند امینی که وابستگی های مرئی و تاریخی اش به مائل امپریالیستی بر کسی پوشیده نیست، خودی نمعا کام کرچستی

آماده باش ارتش

بنا بر گزارش‌های رسیده از درون ارتش، از صبح روز پنجشنبه گذشته تمام واحدهای ارتش (کهریانی، ژاندارمری، نیروهای زمینی و هوایی) به دستور شاه جلا به حال آماده باش کامل در آمده اند و خانگ‌ها و نفر بره‌ها مجهز به مسلسل برای سنگین همراه با ماف‌پول گامی برای ارتش برای ایجاد فضای رعب و وحشت در مواضع در خیابان‌ها به حرکت در آمده‌اند و در مواضع خاص موضع گرفته‌اند. شاه خود برای اطلاع به امواج جدید مبارزات اعتصابی و نظرات ارتش مردم که از روز شنبه ۱۵ مهر با دگترده تازه می‌باید، آماده کرده است. شاه می‌خواهد با زخم خون بریزد، اما آیا او خواهد توانست راه مودی را که در صحنه مبارزات انقلابی چابنا زانه به استقبال مرگ می‌روند سد کند؟!

وظایف جنبش دانشجویی در شرایط انقلابی کنونی میهن ما

جنبش دانشجویی امسال در شرایطی به استقبال جنبش عمومی مردم می‌رود که در میهن ما وضع انقلابی حکمرواست: خودی‌های ملیونی با فساد کاری و شورو عزم بنی با فساد برای تغییر اساسی سرنوشت خود میهن قیام کرده‌اند. اغلب سبب پیمانگی سازمان‌های سیاسی، در فتنه مبارزه و سنگربه سنگرو موضع میوه به پیش می‌برند و نیروهای وابسته به استبداد سلطنتی و ارتجاع امپریالیستی را به عقب می‌رانند. خون هزاران شهید در کوفه‌ها و خیابان‌های اکثر شهرها می‌گوشد، حلقه نظارت سیاسی و نظایر آنست اعتراضی و رزمی به حلقه اعتصابات عمومی و فلج کننده می‌پوشد و امواج کوه پیکران نبرد خلقی در زیر برقی سرنیزه‌ها می‌گردد و در شرایط اختناق پلیسی و ترور دولتی بزرگ‌گرو نیرومندتر می‌خورد بر دیوارهای خلقی کینه و آتش سلطنت مطلقه می‌گردد. در چنین شرایط خاص و دوران سازی است که جنبش دانشجویی با در متا به پیش از جنبش عمومی و انقلابی میهن ما در مواضع و بخش‌ها غویش و وظایف خطیر و مهمی به عهده دارد که باید آگاهانه به آن واقف شد تا از هرگونه انحراف و هدر دادن نیرو، از گرایش به چه افراطی و راست‌سازنگار، خلط از کالیف عهده و اصلی و فرقی شدن در پیروهای فراقی، با هوشتاری و دقت نظر و سواستی، آمیز، برهیزر کند.

مسائل و وظایفی که در شرایط کنونی در رابطه با جنبش دانشجویی میهن ما مطرح است، در خطوط کلی خود برای دیگر صفوف اجتماعی و به ویژه دانش آموزان می‌تواند سرتق و قابل تمحیل باشد. از این رو بررسی وضع جنبش دانشجویی، عقلت و نقش و تکالیف آن، آماده‌سویق ترو پیر اهمیت تری به خود می‌گیرد که در بدین جهت آن به صورت ضرورت لحظه در آمده است. نخستین ویژگی جنبش دانشجویی، هوانت و تلاش آن برای پیوند با جنبش عمومی است. امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران است. اما در این روند تنها خواست، کافی نیست. جنبش دانشجویی هنگامی در عمل و به طور موثر با جنبش عمومی خلق گره می‌خورد که با مبارزه ضمنی و سیاسی خود به تقویت و پشخرد پیکار سراسری می‌بازد. ساری را بد. تحققی این منظور و جنبش میبازد که مبارزه ضمنی - سیاسی جنبش دانشجویی با مانع و مصالح نبرد امپریالیستی و دموکراتیک مردم منطبق باشد. یعنی در یک رابطه دوجانبه، جنبش دانشجویی از خواست‌ها و مبارزات سایر اقترها و طبقات فدا می‌گردد و دموکراتیک‌ترین جنبشها می‌فعال کند و بخواند متقابل با جنبشهای طبقاتی و اقشار ملی و دموکراتیک را با خواست‌ها و مبارزات خود جلب نماید. فقط حفظ و تحکیم و توسعه پیوند جنبش دانشجویی با جنبش عمومی خلق است که قادر است هم برای حفظ و تمحیل عملی پیکار رهو بسانه و انقلابی جنبش دانشجویی و هم برای پیروزی مبارزه ضمنی و سیاسی آن، تضمین و آلفی باشد. جنبش دانشجویی تا گزیر است در این مسیر خود را آن طور که هست باید با خویش را آن طور که باید بردارد. باید نه تنها کشف ضعف‌ها و نارسایی‌ها، نه تنها آگاهی به وظایف و مسئولیت‌ها، نه تنها شناخت ما هست خود - نه به عنوان یک سازمان با حزب و جریان سیاسی، بلکه به صورت یک جنبش ضمنی - سیاسی که راه آن از درون مبارزات ضمنی می‌گذرد و به مبارزات سیاسی ارتقاء می‌یابد و سرانجام این دو مبارزه را به هم تلفیق می‌دهد. لایحه جنبش بی‌خبرفت گاراست، بلکه آموزش‌اند به جنبش، با رورگردن جنبش و نیروی میدانی آن، از طریق ایشان بدین تئوری انقلابی و فرقی در پیش در جریات خود

از آلودگی‌های شبه انقلابی و زهرپاشی‌های نفاق افکنانه، از مهندسی کالیف جنبش دانشجویی در این مرحله از گزیر نیروی انقلابی خلق می‌باید. پیش از آن که به توضیح این تکالیف بپردازیم، لازم است روی این مطلب تاکید کنیم: جنبش دانشجویی هم اکنون با بی‌بسیار هم‌تراز خود با دو انحراف عهده می‌درد: درون خویش مستبده، یکی از این انحرافات مطلق کردن مبارزه سیاسی است که از موضع چه‌روی ما چراغ بانو وارده می‌شود و دیگری مطلق کردن مبارزه ضمنی و کم بها دادن به سایر فرم‌ز گزیدن به روی جنبش سیاسی مبارزات دانشجویی است که معمولاً از رویا نگاری و مباحثه کاری و راحت‌روی فلج کننده در می‌آید. اتفاقاً

استادان و معلمان آزادخواه دبیرستان‌ها طی اعلامیه‌ای به اعتصاب سراسری ایران پیوسته و برای اعتراض به حکومت نظامی و سفاکی‌ها و خون ریزی‌های رژیم شاه - ساواک از روز شنبه ۱۵ مهر ماه به مدت یک هفته اعلام اعتصاب کرده‌اند. تاکنون در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک معلمان و دانش آموزان با انتشار اعلامیه‌ها و شرکت در نظرات اعتراضی خیابانی، کودتای خونین شاه را محکوم کرده و آندگی خود را برای پیوستن به اعتصاب عمومی سراسری برای اعتراض به سفاکی و سفاکی‌های رژیم و حکومت نظامی در شهرهای عهده‌گشور اعلام کرده‌اند. نظرات خویش دانش آموزان مباره، نظرات و تمحیل دانش آموزان در زمان و امهان و آبدان در نخستین هفته آغاز سال تحصیلی جاری و اعتصاب کلیه آموزگاران و دبیران قدر شریفین، که از هفتن همراه با خواست تشکیل کاروان معلمان قدر شریفین آغاز شده و نیز اعتصاب معلمان از دی هوه گرمی‌نشا که خواهان کاروان آزاد معلمان هستند پیوسته هزاران دانش آموز به اعتصاب سراسری آغاز جنبش و جنبش عمومی و سیاسی معلمان و دانش آموزان آزادخواه ایران است. دانش آموزان و معلمان سراسر کشور با پیوستن به جنبش اعتصابی سراسری علیه کودتای خونین نظامی شاه، سهم خود را در جنبش ملی و دموکراتیک کشور به عهده خواهند گرفت.

اعتصاب عمومی کارمندان

نبرد اعتصابی بی سابقه ملیونی اقلیت مختلف مردم هرروز دانش و معنی تازه‌ای می‌یابد و با سخت گیری سیاسی جنبش تری رژیم ترور و غارت و کودتای آماج قرار می‌دهد. در حالی که مدتها هزارا گرسر مبارز با اعتصابات بی در پی و گسترده خسرد کارخانه‌ها را به مرکز پیکار تبدیل کرده اند و اقشار وسیعی از صنعتگان به اعتصاب عمومی سراسری پیوسته‌اند، و به دنبال اعلام اعتصاب از سوی استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها و نیز دانش آموزان و معلمان مبارز آزادخواه از روز ۱۵ مهر ماه، جامعه کارمندان دولت نیز طی اعلامیه‌ای از همه کارمندان دولت در سراسر کشور دعوت کرده است که با اعتراض به فظ‌هزینه‌های بی‌سواد آور زندگی و اجناسات دولت و برپای تعلق‌خواست‌های خود نیز هنگامی با اعتصاب‌ها گسترده کارگران و کارمندان در سراسر کشور از روز شنبه ۱۵ مهر ماه اعتصاب عمومی نقشه‌ای را تا اعلام پدیدش و سیاسی خواست‌ها پشان از جانب دولت اجرا نماید.

تظاهرات خانواده‌زندانان سیاسی

از گزارش‌های غیر می‌رسد که در صبح روز شنبه ۱۵ مهر ماه، عده‌ای از مادران و خواهران زندانیان سیاسی در چادر سپاه اعتدال مقابل اداره دگتر واقع در میدان آیت‌الله جماعت کرده و وسیله دست به تظاهرات و راه پیمایی زدند. راه پیمایان فریاد می‌زدند: "زندانیان ما را آزاد کنید!". در صبح دوم راه پیمایی، مردم در دو طرف خیابان جمع شده و مادران و خواهران زندانیان سیاسی ابراز همدردی و پشتیبانی می‌کردند. افسران پلیسی آنها را محروم می‌نمودند و آنها حمله برده و می‌می‌کردند متفرقتان کنند.

بعضی از ره‌و‌و‌ها و شعارهایی که این روزها به طور مستقیم و غیر مستقیم در دانشگاه‌ها و مدارس آموزش عالی و حتی بسیاری از دبیرستان‌ها طرح می‌شود به نحوی از این گرایش‌ها انحرافی پادیده، تاثیر گرفته است. یکی از ره‌و‌و‌ها و گرایش‌ها آنست که از نخستین روز کالیف دانشگاه‌ها با بدنگلیبانه دانشجو با آن اعلام اعتصاب عمومی است محدود کننده و تحریم نه تنها کلاس بلکه محت دانشگاه‌ها، به نهضت عمومی مردم پیوسته‌اند. و شعار دوم بر آنست که دانشجویان باید به همه عنوان بهانه‌ای به دست رژیم نهضت‌ناپسند تمحیل دانشگاه‌ها خود را از زیر دانشگاه‌ها براند. اینان نوعی می‌کنند که تمام قوای دانشجویی به صرف دست آوردن حقوق و امکانات ضمنی با همال شده و به رسمیت شناخته شدن این امتیازات از طرف مسئولان شود برای این منظور سیاست‌ها را به از گلشن‌های درس بیرون کرد.

در این‌ها و استدلال که نظرات مختلفی با کم و بیش و خیانت‌های زیاد در برابر مردم هر روز آنها وجود دارد، عناصر قابل تأملی نهفته است. اما جهت کلی و منشاء هر دو نظر، انحرافی و زیان آور است. از نظر دوم که جنبه سازفکارانه آن در نفی مبارزه سیاسی، جدا کردن جنبش دانشجویی از جنبش عمومی خلق و تضعیف این جنبش، رام کردن دانشجو با پادخلت‌کنک‌ها و سرگرمی‌ها و هدف‌های بی نظیر سپردن تعالی‌ها، اتاق‌های گوه‌سوری، چرکه کتابخانه‌ها و غیره به آنجاست می‌گذریم، چرکه محدودماندن در حصار کلیات صفتی در تمحیل نهایی تسلیم شدن به اعتقاد سیاسی رژیم و سلب بهترین و ارزنده ترین حقوق اساسی و شهروندی جنبه تری روشنگران، به حقوق حق سبیم بودن و نقش داشتن در حیات سیاسی کشور است. یک جنبش روهی‌ای، حتی اگر بی طرفی خوانده شود، در واقع صدها کالبدت به سیاست‌های ترور و غارت و امهان ترور رژیم و راه دادن به ادامه سنت. در حالی که هدف عالی دانش و دانشگاه مبارزه بی امان با هرگونه تعالی و تحولات اجتماعی و سیاسی بوده‌بروری و عملی شدن و جنبش انسانی است. وانگی دانشجو چه بخواد، چه نخواهد، حکومت سیاست را از درهای دانشگاه وارده می‌کند. چشم بستن به روی این مردانستان همان انگلی است که سر به زیر براف کرده بود.

اما نظر و شمار اول، جنبه‌های مختلفی دارد که بررسی و روشنگری آن، در انتخاب مناسبترین شیوه و شعار در مرحله کنونی نهضت دانشجویی ایران، می‌تواند تکلیف باشد.

یک بار در پیکار پدید این برهان علمی انبساط گنیم که تنها پیرو مبارزه ضمنی و سیاسی است که می‌تواند جنبش هر چه وسیع تر دانشجویان را به لفظ به مبارزه ضمنی راه تعلق‌خواست‌های مشترک ضمنی، بلکه در همین حال به مبارزه در راه خواست‌های مشترک سیاسی جلب کند. به مبارزه دیگر با این رویه می‌توان همان عقلت‌نوده‌ای را که هر مبارزه سیاسی در راسته و پدیدار آنست در مبارزه سیاسی نیز حفظ کرد. از آنجا که جنبش دانشجویی به خاطر طبیعت خود یک حزب‌خانی با بدشگورزی‌ها می‌نمیت، نمی‌تواند در یک حرکت سیاسی فاسدی برای مدت طولانی استکام و بی‌طرفی و تنگ‌بند استراتژی خود را حفظ کند. با این شرط جنبش دانشجویی در لحظه جای ناگزیر است تا تکلیف‌های خود را طوری وضع و عرضه کند که در همین پیوند با جنبش عمومی مردم، جداکنر پیوسته درونی خود را نیز با جلب افشار هر چه وسیع تر دانشجویان و نیز جلب هم‌دردی و حمایت استادان تا مین کند. تجمع و شکل‌تبدیل به دویت هزار دانشجو در کلاس‌ها و دانشگاه‌ها و دانشگاه‌ها و مدارس آموزش عالی، در شرایط حکومت نظامی و سلطه شدید بورژوازی است که اگر آن را به نحو شایسته‌ای بهره‌گیری خود، می‌تواند خدمت پشخرد و تقویت جنبش انقلابی میهن ما قرار گیرد. این مزیت را با چه روی با افعال و حرکت‌های کم اثر نباید از دست داد یا عهده‌دار کرد. چرا که می‌تواند برای رومی که ایران ترویج می‌یابد تا رهنمیت است و جنبه فعال ملیونی‌ها مبارزاتی و ره‌و‌و‌ها دارد در درون صفوف خویش و به ویژه در درون ارتش که تنها تنگ‌بند است با رهنه و ترنزل روزافزون روبروست، فشار و اقتضای سیاسی و روانی در صفت

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

تصفیه در ارتش

همزمان با اعدام های مکرر در پادگان های ارتش، مأموران واحدهای مربوط به کسب و کارها نیز برای تمهید ارتش از آزادبخواهان به موجب یک پختنامه فوق محرمانه ۲۷ امیر ارتشی پس از کودتای خونین ۱۷ شهریور شاه علیه مردم در طول مدتی که حکومت نظامی برقرار است باز نشسته شده اند.

گزارش می رسد که جمعی از آنها همگان با بار نشستی و جنگجویی برای تکلیف به دادگاه های ارتش نظامی تسلیم شده اند. از آنچه پخت درهای بسته این دادگاه های فاشیستی می گذرد هنوز اطلاعی نداریم.

همچنین خبرهای رسیده از تبریز حاکی است که اخیراً تصدیق ای از افسران و سران رادوبادگان این شهر ضریبان کرده اند که به خانواده های آنان اطلاع داده اند که گویا آنها در دوگمبری یا "فرارکاران" کشته شده اند.

شاه از تنها پادگان که هنوز برایش باقی مانده و قدرتی بدان متکی است می ترسد. اما آیا این تخفیف های خونین می تواند از پیوستن نزدیک ارتش به میهن پرستی و آزادبخواه به طرف جنبش انقلابی مردم جلوگیری کند؟

کشتار جدید رژیم در خرم آباد

بعد از ظهر پنجشنبه گذشته در جریان نورش و شبانه گزارشی مصلح رژیم به نظارت اعتراضی مردم مکه کار و آزادبخواه مردم آباد در تظاهراتی جمع زیادی کشته و مجروح شدند. این یورش خونین به دنبال تظاهراتی بود که در پی کشته شدن مردم شهر در اعتراض به محاکمات سیاسی و مصلح رژیم به دانش آموزان و معلمان و فرهنگیان این شهر که به شهادت رسیده از ارتش آموزش از مصلحان پست اخلاص، برپا کرده بودند. تعدادی از دانش آموزان دبیرستان جمهوری خرم آباد کشته شدند. کشته شدن این کشتارهای وحشیانه جدید به دنبال قتل عام دهها مبارز آزادبخواه در کرمانشاه به وقوع پیوست. همچنین از کرمان نیز خبر رسید که رژیم تظاهرات آزادیخواهانه مردم این شهر نیز در روز پنجشنبه گذشته مورد تهاجم مسلحانه همال رژیم قرار گرفته است. از سلسله محاکمات هنوز اطلاعی در دسترس نیست.

به دنبال هجوم خونین به مردم کرمانشاه و خرم آباد، مردم این دو شهر به صورت اعتراضی به این کشتار جدید رژیم به یک احساس همگامی نسبت زده اند و این دو شهر که کالا به حال تعطیل درآمده است.

اشتغال و احساس عمل نیروهای ملی و دموکراتیک سبب از بخش مهمی می شود. شاید ما در کسب همبستگی و اعتماد است که رژیم زرنگانه برآوردت تا موجب عیبی از جریان های فکری، ایدئولوژیک و سیاسی متضاد و تشتت آفرین راه متضاد نیرویی تازه نسبی، از خارج وارد می شود. مردم ایران و سایر جنبش دانشجویی ما کشته شده از تظاهرات و محاکمات و ضرورت های جامعه ما، بلکه از یک بازآرشفه و شوخ سیاسی - ایدئولوژیک متضاد و ناهماهنگی است که از آنها مات ایدئولوژیک ها و ایجاد پخت پیوسته است. مصلح امپریالیستی و تحریکات و بدافزارانی همال عوامل ما واکسی بهره نبوده است و به خاطر با یک و منشاء طبقاتی مردم پروژواستی اکثریت اعضاء و عناصر آن اغلب نقاب انقلابگری و خفا گسیب و افراطی برپه کرده دارد.

دعوت های گروه ها و هر گروه و سازمان دیگر از خارج به تنها مورد ابراهیم است، نه تنها ناسی قابل اعتماد مناسه سراسر گرفتاری است. متعاقباً با حال شده مردم در پی دارد. از یک نقطه نظر خاص در مورد خاست.

در مومضی که است. سبب محبات ها و دوستی ران حزب توده ایران در داخل کشور رخت شده ترین و بی رحمانه ترین پیگردی مجازات هستند. در مومضی که اعضای مؤثر حزب ماضی در خارج از کشور تاگزیر به زندگی مصلحی سیاسی و فعالیت سراسری بر مومضی ما رعایت نمی آید. اصل پنهانکاری ایدئولوژی ترس مردم حزب ما حسن برسد کردن به مزرعه های کشور را دارد. این چراغ سبز و کارت دعوت برای بعضی سازمان ها و گروه ها و سایر مکرر اغلب خود را "چپ" دو آتش می دانند و حتی نام ها و موسسین نظیر "کمونیست" و "مارکسیست" و "لنینیست" و "سوسیالیست" و غیره را از طرف خود به خویشانی اهدا کرده اند. چه منشی می دهد؟ آیا رژیم دغل در کار آن نیست و در هر گه این سازمان ها راه عوامل و سازمان نقابدار خود را به مناسه انقلابیون تسبیحی در میا رختن میور کند؟

گرایش به اندیشه های سوسیالیستی هم در سطح هم در سطح به طور دو اراکیزی در جامعه است. افراطی می باید. سوسیالیسم علمی به عنوان تنها راه واقعی برای نیل به تحول سیاسی در جامعه، به سوز خفتگان، برای ارضان جامعه ای آزاد و مستقل از اضمحلال و فقر و جهل با تئوری استقلال دم افروزی مورد توجه وسیع ترین انقلابی ترین طبقات و اقشار و روشی وسیع ترین عامر فرارگرفته و در سطحی در میان انواع بسته بندی های فلسفی، تئوری ها و شیوه تئوری های بزرگ کرده و به ظاهر هر نور و آتشین که به نام "سوسیالیسم" عرضه می شود، گرایش به سوسیالیسم علمی، گرایش به مارکسیسم - لنینیسم، گرایش به حزب توده ایران و روزافزون و توفانی است. تا مردم و اعضاء و نمود نیستی که پخت دعوت نام اخیر دولت ارتشی اعضای کمدیاسیون دانشجو می و گروه های مخالف و در نفس مجدداً تاخت و تاز مناسه لفظی و غیر لفظی به حزب توده ایران وجود دارد، بهتر قابل درک است. این ساله ای ایران وجود دارد، بهتر قابل درک است. این لفظات تاریخی نمرده لفظی های مناسه ما با ارتجاع درنده فلسفی و افسانوس امپریالیستی، نمی تواند مناسه ما در آن قابل

این کلاس ها و دانشکده ها به اعصاب می پیوندند کلاس ها و دانشکده های جدیدی جای آنها را نگردند. با تمهیدات و وسایط های مناسب دیگری آنها زد کردند. در همین پیشبرد منظور و مقصود، کشتارین دستا و سر و آرای برای نظام و با مصلح دانشکده ها به دست دشمن دهد. در همه این حرکات و اعتراضات سیاسی با افسان و جلب همگاری و حمایت آنها، مصلح سوزی و بهره دهنی مبارزه را میسر و وشقه پیروزی آن را هوی شوی کند.

مرحالی که با وری آوردن توده های میلیونی به عرصه مبارزات اجتماعی و سیاسی، جو سیاسی مملکت تشدید و فعال شده. همه سیاسی جنبش دانشجو می برای اقبال خلق به همه ستمتری کتب کسود است. ما سوچه به این که هنوز شرایط اجتماعی و سیاسی پهلوی و جابوسی ما را که بر مناسه ما حاکم است، پیشگیری از تظاهرات سیاسی در عرصه های اجتماعی و مصلحی بدون در آمیختن کار مصلحی علمی، اگر ما سخن نماند، بسیار رتو آرو مظاهره آفروز است. بدون سازمان مصلحی و شرایط تئوری سیاسی هیچ مبارزه جدی و بی گمراهی از پیش نشی روده در عین حال استفاده از امکانات کاسوسی و علمی برای پیشبرد مبارزه، برای کشتار افسان کس نماند با توده ها، امکان تجهیز، شکل و به مبارزه کس نماند آنها، به حد قابل گمان می آید با دوسان ما سب گسترده و رشد ونوسه مبارزه می شود. از این گذشته سازمان های مصلحی در حال وهوای نظیر مناسه ما اصولاً سازمان های سیاسی هستند، جزایس هر یورش فالفکرانه با وقت و سبب وقت حکومت و فعال آن می تواند طو آرایک سازمان با همه سیاسی را در هم بپیچد. تاریخ ماضی مناسه ما با تاریخیات گامبردر انقلابی، مؤید است که تنها سازمان ها و تشکلات سیاسی توانسته اند در فراز فرود حوادث و تحولات و سوایح اجتماعی ازنا سود و فح شدگی نجات یابند و این ما به راه به حد قابل ممکن برسانند، که در کنار اشکال لفظی و قانونی از اشکال مصلحی و غیر قانونی مبارزه استفاده کرده اند. مصلحی دانشجو می ایران در لفظات اوج گیری نبرد خود دیکتاتور و ضد امپریالیستی نمی تواند نیاید به توری و میراث انقلابی و علمی. بی اعتنا بماند. دسسان قسمت اعظم وظیفه

سازماندهی و تعیین تانگک ها و شعارهای مناسه جنبش دانشجو می در روبرویی ما به راه و مناسه و رابطه با جنبش مصلحی مردم به عهده این همه ها و تشکلات مصلحی سیاسی قرار می گیرد. همین سازمان ها و همه ها هستند که برای تضمین پیروزی و پیروزی جنبش دانشجو می و استوارتر کردن رفته ها و سوسوهای آن با جنبش گسترده مصلحی دموکراتیک مردم باید به بیشترین معاهدت و اشکال عمل را به خرج دهند در سطح دانشکده های آن صورت بسیار جدا از هم می آید که به حد قابل هم نیروهای فدا پر ایمیالیستی و دموکراتیک مصلح می دهد، نهقی میخندند. جنبش دانشجو می مناسه است که از تشتت فکری و تفرقه نماند و نظیر همین گروه ها و عناصر وابسته به جریان های عقیدتی و مصلحی متفاوت رنج می برد. این تشتت و فرارگمندی که در عرصه اجتماعی قابل رویت است، خود رفته ضعف عمومی جنبش سیاسی با لاهی در دیکتاتور توری افسار گسیخته، ضعف سیاسی حزب طبقه کارگر، ضعف عمومی سازمان های سیاسی نیز برولتئوری مخالف رژیم، فقدان آزادی های دموکراتیک فعالیت های شفاق افکنانه ارتجاع مصلحی، هوایستی انتزعی کمونیسم و درواری ایدئولوژی امپریالیسم جوده است. اما یکبار در مرحله خیزش کفولایسی سریع جنبش انقلابی، کشته شدن یک تنگ پیرو دانشجو می پاره ای از بد ها و مواضع بیگانه تئوری و کشتار فعالیت کارگران و حزب سیاسی و طبقاتی آنها در عرصه های مصلحی و سیاسی و رانده شدن عسری گروه ها و سازمان ها و جریان های مختلف به سوی نزدیکی به موزیر فشار و تهاجم رژیم جنون زده نام - ما واک، شرایط علمی و ذهنی

ها تنگ با این تلاش مزروره، عوامل ما واک یورش طبیعی و سراسری آن ضروری و تفرقه اندازی و ایدئولوژی "سو" طن بین دانشجو می ایدئولوژی دانشجو می با غیر مصلحی، با حدت و شدت دیوانه واری آغاز کرده است. مناسه در گذشته برخی زمینه ها که مده برای موفقیت نسبی این نسوع دسیسه ها وجود داشته است (حواله کس تا رکتیور دانشکده ملی و دانشکده شیراز و نظیر آن راه به یادآوریم که دانشجو میان مبارز مصلحی است. مارکسیست را تا آنجا که به عرصه ها و عرصه های مناسه در این جنبش (پیش برد) و مناسه اعمال و رفتارنا ضعیف برخی از گروه های افراطی (قتل) ضعیف مبارز مسلحان تئوری و افراطی حوط سازمان مجاهدین و سرخورد مناسه آنها پس از تعدیه نظر در وضع فلسفی خود، طبقه جنبش انقلابی مسلمانان) مناسه آن به شدت دامن زده است. موفقیت این سیاست فلفلی و فدا زده که گناه پاره ای از اشتگ نظری های فکری از هر طرف به آن دامن می زند. چراخت تازه ای بر پیگردین مبارزانی توده ها و در جهت تضمین آن است. در حالی که طبقه با تمامی قامت با ارتجاع درنده و سازمان و اشکال های آن در سبب است، در حالی که زندان ها و شکنجه گاه ها تقاضای بین مبارز مارکسیست و معاهد مذهبی نمی گذارند، در حالی که گلوله های آتشبارانی شاه در میدان شهادی تهران، در خیابان های قم و تبریز و اصفهان و شیراز و کرمانشاه و خرم آبادها شهیدان گمگون مردم را با خون سلطواری آن مذهبی و مارکسیست در هم آمیخته و یگانگی هدف های آنها را در شادی حاسی مناسه میهن ما عملاً ناکند کرده است، حتی بی تفاوتی در برابر پیوسته های مظاهره آمیز، قابل دفاع نیست. اکنون آن لفظ ستمگرایی است که مبین تفرقه در خون و نبرد و نبرد و نبرد است که بهترین مصلح پیرو جنبش دانشجو می است. نیا زبانه جنبش دانشجو می رسالت علمی در مملکت این سوسه های زهر آگین و هر دسره و طده و برانگیزانه دیگر در عرصه اجتماعی ما دارد.

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!

هفته‌نامه نویسنده

سال سوم - شماره ۵۲ - شنبه ۲۹ مهر ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

بخشی از مقاله ن. کیانوری درباره

ضرورت اتحاد نیروهای ملی و آزادیخواه

کشورهای عربی در دست دارند و همچنین کوه بیضی سیاسی برخی رهبران کشورهای عربی دامن زده می شود؟
آیا این رهبران نمی بینند که چیزی بسرا ر رژیم استبداد شاه خوش آیندتر از آن نیست که نیروهای مخالف او به جان هم بیفتند و وقت و نیروی خود را صرف جنگ های خانگی سازند؟
آیا این رهبران نمی بینند که دردهای امروز آنها و تنها بر پایه اتحاد و وحدت عمل به جریان انقلابی اساسی یعنی: نیروی کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری - کمونیستی کشورهای سرما به اداری و جنبش رها می بخش ملی است که ممکن گردیده است جنبه عظیم و شکستناپذیر ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی به وجود آید و با تندی برهنگامی سرورز پیروزی تازه ای به دست آورد. چرا این رهبران این واقعیت را به حساب نمی گذارند که امروز بزرگترین دوست و پشتیبان این مسلمانان فلسطین در خاورمیانه و زندگی این طبقه امپریالیسم و مذهب و ارتجاع عرب در درجه اول همان کشورهای سوسیالیستی و مبارزان توده ای کمونیست های جهان و کشورهای عربی هستند و برعکس ارتجاع عرب، خاندانها، ماداتها، قابوسها که مانند شاه ایران از اسلام دم می زنند در صف دشمنان مردم مسلمان فلسطین گام برمی دارند. بدون هیچ گونه تردید این جنبش سیاست خودداری از همکاری همه نیروهای ضد استبداد به بالاترین درجه زبانی بخش است و بهیچوقت مبارزات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه میهن ما را به طور محسوسی کند می یازد.

حزب توده ایران به رغم این موقعیتهای نامدرست، به رغم همه اتهامات ناروایی که از همان روز اول پیدا می شود و وارادیده است با پیروی از جهان بینی علمی خود با اعتقاد متزلزلناپذیر به درستی اندیشه اتحاد همه نیروهای ضد استبداد برای برآوردن این امر بین نفاذ، با پیگیری و پشتیبانی ناپذیری این یگانه شاه پیروزی را دنبال خواهد کرد و هرگز از آن گام به برهنه نخواهد گذاشت.

وظیفه مبارزان توده ای است که این اندیشه را با تمام پیرویی خود به میان سایر مبارزان ضد استبداد بپرازند و آنها را به اتحادی که رهبران خود به سوی اتحاد و وحدت عمل همه نیروها به پیش می بردند.

نقل از مجله دنیا، سال پنجم، شماره ۲

با وجودی که امرا اتحاد نیروها در میدان های مبارزه مردم بهیچوقت های عملی چشمگیری نگردیده است، در میان بخشی از رهبران گروهها و بخش های گوناگون جنبش ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه میهن ما درباره امکان پیروزی اجتنابناپذیر همکاری و وحدت عمل همه نیروهای ضد استبداد نظریات و موضوعات گوناگون نامدرست وجود دارد. تا شکر تبلیغات گمراه کننده ضد کمونیستی معادله امپریالیستی از یک سو و موضعگیری سیاسی در چهارچوب مصالح گروهی، فشری و باطنی برخی از این رهبران از سوی دیگر مانع از این است که اندیشه لزوم همکاری همه نیروهای ضد استبداد در درون کشور - که نیروهای توده ای بخش بسیار مهمی از آن را تشکیل می دهند - با آن روشنی که گسترش برشتاب جنبش در ایران می طلبد، بهیچوقت نماید. برای مبارزان راه استقلال و آزادی کشور ما در دروازه های در دست در میان لحظاتی که در میان بلاتکلیف های شهرهای ایران مبارزانی که زیر پرچم روحانیتون مخالف رژیم مبارزه می کنند، دوش به دوش مبارزانی که زیر پرچم حزب توده ایران به میدان نبرد گام گذاشته اند، در برابر رگبار مسلسل های مزدوران امپریالیسم و رژیم استبدادی شاه با خون خود اسلحه ها را با خون رنگین می کنند و یکصد قربان دستگون باد استبداد و پیروزی یابند آزادی را چنین اندازه می یازند، برخی از رهبران روحانی آنها مانات ناروا و بی پایه، آنها مانی که سالهاست در زرادخانه های استعمار و ارتجاع عا بسته و پرداخت می شوند در مراکز جهان پراکنده می گردند، درست در همین لحظات علیه پیگیری ترین و استوارترین مبارزان راه آزادی و استقلال ملی، به به جنبش توده ای میهن ما، به پیروان و جهان بینی های علمی، به مبارزان راستین راه طبقه کارگر و رادیکال سازند و این کار بهیچوقت به سوی اتحاد و وحدت عمل نیروهای ضد استبداد در اوتار نمی کنند. آیا این رهبران توجه نمی کنند که دشمنان استقلال و آزادی خلق ما در سرانجام پیروزی خود را به گامی که از میان برداشته اند و از طریق این کار می دارند تا نتوانند با برکنار شدن گروان های مبارزان بیفکند و نتوانند از آنها بگریزند؟

آیا پیروزی مذهب و مذهب علیه نیروهای عظیم خلق های عرب جز بر سر فقدان اتحاد بین دولت و مردم میسر می شود، همان تفکاتی که برکنارندگی که همواره از طرف امپریالیسم و مزدورانش که هنوز قدرت حاکم را در بسیاری از



برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

توطئه جدید رژیم

تاجم وحشیانه اوباشان و قداره بنسدان رژیم شاه - ساواک به اجتناع مذهبی مردم در مسجد جامع کرمان و ضرب و جرح آنان که به شهادت محافل پنج نفر از آزادیخواهان مسلمان، به آتش کشیدن بخشی از مسجد و کتابخانه آنرا و آتش زدن تعدادی از نسخ قرآن همراه با شمارهای مذهبی و توهین موهن به معتقدات مذهبی مردم منجر گردید و نظیر آن در آمل نیز تکرار شد؛ بار دیگر چهره واقعی رژیم مدعی آشتی ملی و آزادی و قانون اساسی را در انتظار مردم عربیتر و معری نمایان گذاشت. هجوم گرزهای وحشی در پناه و حمایت صلیب های رژیم، از توطئه جدیدی غیرمذهبی دهکده به منظور ایجاد و تشدید فضای مسموم دشمنی و کین تیزی خصمی و غیرموجه در میان نیروهای ملی و دموکراتیک وابسته به افکار گوناگون اجتماعی ندارد دیده شده است. رژیم توده ای در شرایط گسترش سریع و عمیق جنبش انقلابی مردم پایه های حکومتی را سخت لرزان می بیند، با بهره گیری از حکم امپریالیسم گمراه کننده به اندازه حکومت کنونی، تلافی می کند به استفاده از همه وسایل و شیوه های ضد انسانی و بیگانه از تنگ نظری های نفاق افکنانه پاره ای از نیروهای مبارز و آشفته با زار پراکنده و نفاق ناشی از پهنادوری با وسوسه تغییرهای ناچهار در درون جنبش، به این نفاق و تفرقه دامن زدن و گردان های مبارز در درون جنبش را به جان همسند آنها در پیروزی همه آنها را تصفیه کند تا بلکه از این راه بر صورت جنبش خود چند صباحی بیفزاید. تمام این سیاست که بیرون خویش گله گرزهای ساواک به تجمع مسلمانان آزادیخواه در مسجد جامع کرمان و نیز در آمل به دنبال آنها مانات ناروا و دشمنی تا دکن اغیر آیت اله خمینی به حزب توده ایران، پیگیری ترین و انقلابی ترین حزب دموکراتیک مدافع منافع زحمتکشان، صورت می گیرد. در شرایطی که رژیم غلطی شاه با تمام نیرو و امکاناتش تلاش می کند بهیچن کارگرمیست ها و مسلمانان مبارز آزادیخواه خصم و نفاق و دشمنی نباشد، همه نیروهای مبارز نباید تمام مسای خود را در جهت خنثی کردن توطئه های نفاق افکنانه رژیم به کار بیاورند، نه آن که به آنچه که رژیم رژیم می کند توجیه دهند و به متعاندن طبیعی خویش در مرحله طرز کوشش مبارزه حتی در کار مبارزه آنها علیه رژیم کارگرمی کنند و دست نگازند. آیا کسانی که مبارزات فشری در درون جنبش را بر پیروکار متحد علیه رژیم فدایی و نسیب و نسیبندارند، علی رغم آنکه مبارزات مبارز آزادیخواه مردم و تاریخ مسئول نمی شناسند؟ ما به پیروی از منافع اتحاد و همبستگی حزب پیشین با جنبش های همبستگی با نیروهای پیرو و آزادیخواه مسلمان و ادامه خواهیم داد و با احساس عصب مسئولیت عظیم تاریخی خویش، علی رغم آنکه مبارزات ناروا و دشمنی های بی موردی که از سوی پیروکار از مبارزان راه آزادی و استقلال ایران تسمیه به ما روا داشته می شود، با مبارزه پیگیر و افشای گزانه علیه توطئه های نفاق افکنانه رژیم، به تلاش خود برای ایجاد همبستگی و اتحاد میان همه گردان ها و نیروهای ملی و آزادیخواه، که خاص پیروزی نهرد مقدس انقلابی مردم ما است، ادامه خواهیم داد.

مبارزه با سانسور

جزئی از مبارزات ملی و دموکراتیک است

با طرح همین جنبه گیری و نیز مواضع اقتصادیهود با ما صاحب امتیازان و کارفرمایان مطبوعات در تضاد قرار دارند. رژیم به با ی قسط کارفرمایان و کارفرمایان مطبوعات را به صورت یکی از عوامل ترین مراکز و گانگ های تبلیغ سیاسی و ایدئولوژیک خود در آورد و از فراز این دو به تحمیل مردم و تخریب و تخریب واقیعات پرداخت. اما اوچ گیری جنبش خلق و تشدید بحران انقلابی، این ابزارهای خنجر کشنده و تبلیغاتی رژیم شاه - ساواک را نیز به گام غرق فرو گویند. تا آنجا که دولتی شدن جامعه به صورت دیکتاتور وابسته به امپریالیسم و جنبه ملی و نسیب دیکتاتوری، در مطبوعات نیز منعکس شد. زحمتکاران مطبوعات با شعار مبارزه با سانسور و شعارهای دموکراتیک جنبش را در پیوسته و جامعه حربه ای به درون مطبوعات بردند، آنها در نهایت نیرومند جنبش انقلابی مردم و با وحدت و یکپارچگی درونی خود موفق شدند دولت را به قبول محدود آزادی مطبوعات وادارند. این پیروزی ما همه مدونیت و بی قیافتی، در واقع پیروزی زحمتکاران مطبوعات بود و به این لحاظ می توان پیروزی نسبی مردم به

اگر بنیبه و آثار را بتوان در کنار هم نگهداشت در آن صورت رژیم شاه - ساواک هم می تواند به مطبوعات آزادی که بیوغ با سانسور از گسردن خود بهره کرده اند، سازگاری داشته باشد. سازگاری مطبوعات آزاد، در فضای یک آزادی با صورت خویش شهادت و شرفه و جنبه دشگان اشاعه شده، بسی اختیار دانستن ضمیمه آمویر، گریه شد ما به مسلمانان را به با می آورد. این داستان تا چه حد واقعی است؟
نخست باید توجه داشته باشیم که مطبوعات ایران یک وجود دولتی است. در یک قسط کارفرمایان قرار دارند که با انبوهی از رشته های مرئی و نامرئی سیاسی و اقتصادی به حیات حاکمه پیوسته خود، اندوه در کارت ثروت های عظیمی منسلک به خاطر موقعیت های سیاسی واجتماعی مردم در دستکار کارگران بدهی و فکری مطبوعات تسمه قابل توجهی دارند. حلقه ای از خود فروغرتگان و میلیون خرفه ای در کسوت خبرنگار و نویسند ه که خوشبختانه تعداد آنها هم زیاده نیست - به این قسط پیوسته اند. در مقابل این قسط از کارگران و همعدتان رژیم، اکثریت زحمتکاران مطبوعات، اعم از کارگروکار و رندو خبرنگار و نویسند ه قسار دارند که به طور طبیعی منطبق به جنبه مردم اند و

با اعتصاب عمومی سراسری کودکانی نظامی شاه را خنثی کنیم!

افتخار بر افسران شهید!

افسران میهن پرست، به خلق پیوندید!

بسیار وقتها و چها رساله‌ها، زمانی که در توده خویستی رژیم کودتا برای انتقام از خنثی شدن ملی ایران گسب حزب توده ایران و سایر سازمان‌های دموکراتیک وابسته به آن در پیشاپیش آن قرار داشتند، به اوج خود رسیده بود و شاه در تکمیل جنایت‌های خود به منافع مردم ایران در صدد اعزامی مجدد سناج‌نظمی ملی شده میهن ما به انتحارات نفتی بود، برای ایجاد شرایط مساعد یعنی ایجاد محیط و حشمت و آسایش، نخستین گروه‌های افسران توده ای را به پای چوبه‌های تیرباران فرستاد. در قاطعه یک‌ماهه عده ای از افسران سازمان نظامی توده همراه با شامروا و یونانی‌ها کویان تیرباران شدند.

و خود سازمان وسیعی از افسران و درجه داران که حتی به اعتراف دشمن از پاک‌ترین، انسان‌ترین و خوشامدترین افراد ارتش بودند، امری تصادفی نبود. اکثریت مطلق افسران از لحاظ مشخصات اجتماعی به طبقه فوقانی جامعه تعلق نداشتند، آنان از میان توده‌های مردم برخاسته بودند و سناج‌نظمی توده مردم نمی‌توانست در میان این افسران دروغی نباشد. محیط ناسالم و غیرانسانی دوران ارتش نیز با برناراضی را در وجودشان می‌کرد. بسیاری از افسران را روح میهن پرستی و خدمت به مردم به ارتش کشانده بود. ولی رفتار شاه و سپس فرزندان محمدرضا شاه می‌خواستند به جای تقویت روح میهن پرستی شاعران و وطن‌پرستان را به پرستی راه‌خورد انسان بدهند، به جای تحکیم پیوند میان ارتش و مردم، فرشتگان را با فوج توده مردم قرار دهند، اطاعت کسور گویان را جایگزین انضباط آگاهانه سازند. دزدی و فساد را در افسران ارتش بی‌سواد که در دروغ قزاق می‌شود و در آن گذشته پرورش یافته بودند، روح‌خاس و پرشور بسیاری از افسران جوان تحصیل کرده را چربچه‌های ارتش می‌کرد. افسران توده ای گروه‌های درخشانی از سبب‌های مبارزاتی را در مردانگی نظیر گلشن محققین خان پسیان، لاهوتی و سرهنگ پولادین را در برآوردند.

اکنون نیز وضع چه در داخل کشور چه در خارج ارتش به‌عنوان آن هنگام نیست، حتی به مراتب بدتر است. جنبه‌های فکری و فکری و دموکراتیک استبداد سلطنتی شدیدتر شده و عظمت نگارانی نسبت به خود گرفته است. مستشاران و کارکنان و جاوسان امپریالیستی، که شاه پیش از افسران ایرانی به آنها اطمینان دارد، امور ارتش را قبضه کرده اند و بر افسران ایرانی فرمانروایی می‌کنند. ارتش ایران که به زعم هیئت حاکمه زمانی فقط وظیفه سرکوب جنبش‌های دموکراتیک داخل کشور را می‌بایست انجام دهد، اکنون با بدویفیه سرکوب نهفت‌های دموکراتیک و فدا میهن پرستی کشورهای همسایران نیز به عهده گیرد. افسران و سربازان ایرانی با بی‌درواه منافع کشورها و انتحارات امپریالیستی و حفظ رژیم‌های فئودالی و نظیر سلطان قاپوچیان در میان‌جا خود را از دست می‌دهند. در همین حال دولت‌ها، اجتماعات، ارتش ایران نیز می‌بایست حاصل است، با وجود کوشش‌های فراوانی که رژیم ارتش اعطای امتیازات مالی و مادی فراوان به ارتشیان، تخفیف ناسیونالیسم و خویشم در میان آنان به کار می‌برد، روح میهن پرستی و مردم دوستی و تکاملات دموکراتیک در میان سربازان ارتشیان کشته نشده است. تعداد افسران که از سناج‌نظمی توده ای موجود ناراضی هستند، کم نیست. تشبیه‌های فراوان، نقل و انتقالات بی‌دریغی، ایجاد محیط بی‌اعتمادی در نتیجه سبب تشکیک‌های جاوسی در میان ارتشیان، سربیه نیست‌کردن و تیرباران عده ای از افسران، همگی حاکم بر این واقعیت است.

افسران ایرانی اکنون نمونه‌های وسیع‌تری از فداکاری افسران در راه منافع مردم ایران در پیش چشم دارند. سرهنگ سیاک، سروان خسرو روزبه، سرهنگ میشری، سرهنگ مرتضوی، سرهنگ قاضی، سرهنگ نیوی، سرگرد وکیللی، سرگرد رزمی، سروان بهزاد، سروان محقق زاده، سروان دشتی، ستوان مختاری، ستوان پرویز حکمت‌جو و ده‌ها و صدها افسر میهن پرستی که در مقابل جوغه‌های آتش‌چاچن خود را فدا کردند و با در پشت میله‌های زندان جوانی و زندگی خود را از دست دادند، را در مردانی هستند که می‌توانند الهام بخش افسران میهن پرست و متوقفی باشند.

اکنون که امواج جنبش انقلابی خلق‌های ایران سرافرازان را فرا گرفته است و وسیع‌ترین ارتش‌ها را با همه مابرای انجام تغییرات بنیادی و سرنگون ساختن رژیم استبداد سلطنتی چنانچه از راه به عرصه سرنگ‌گذاشته اند، بر افسران میهن پرست ارتش ایران است که با احساس عمیق مسئولیت میهن پرستانه، اوضاع ایران و جهان را بررسی کنند و جای خود را در این نبرد مرگ‌و زندگی که بین مردم ایران از یک سو و رژیم استبدادی شاه و سپهر امپریالیست‌های فارتگرا زوسی دیگر، در گیر شده است، مشخص کنند.

تاریخ اکنون وظیفه بزرگی در برابر نیروهای متوقفی ارتش قرار داده است. در پیای می که حزب ما به افسران میهن پرست ارتش فرستاده، گفته می‌شود: "با شماست که پرچم پرافتخار میهن پرستی و آزادی را که پسیان‌ها، سیاک‌ها، روزبه‌ها و حکمت‌جوها تسلیم به تسلیم دست داده اند برافرازید و با آن به خلق بپیوندید."

مبارزه با سانسور...

حساب آید. گرچه آزادی مطبوعات با معیارهای تنگ نظران بورژوازی اش حتی در قانون اساسی هفتاد سال پیش نیز مورد تأکید قرار گرفته بود و به این جهت قول و قرار دولت به رعایت حدود و قیود آزادی در نهایتاً سرخسختن حلی بود که به او تعلق نداشت، با این وصف مبارزه اجتماعات کارگران، کارمندان و نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات که منجر به تضمین آزادی مطبوعات توسط دولت (در روزی گذشت) شد و گسترش و گشایش نسبی و محتوا موفقی - فضای مطبوعات از چهار دیوار ری تنگ و اشتقاقی گذشته، در متن پیروزی‌های موفقی دیگری که مردم به دست آورده اند، نمی‌توانند حالی از اهمیت و تأثیر بسیار باشد. همین روزنه‌های کوچکی که زمینگان مطبوعات به روی مردم و طیف گسترده اند، در تشریح تلخی‌ها به‌ه های رژیم که بر دروغ و جعل و تزویر و تشبیه‌گری استوار است، نقش فراوان دارد (به یادیاوریم این کلام نثر لطیف را که: آزادی برای رژیم ما در دیکتاتوری به مثابه هوای تازه برافروم می‌باشد) و به همین دلیل است که آزادی مطبوعات

- که به هرحال یک گام عقب‌نشینی رژیم استبداد و در عین حال یک آزادی دست و پاکنست و مخصوص مانده در حصارهای بلند حکومت مطلقه و نظام سلطنتی ناما مراتب - نصیحتا نبرای مدت درازی تحرکند. دلیل این امر آنست که آزادی - به هر صورت - با هر مضمون ظماتی - تعزیه شدنی و امری محرد نیست. آزادی مطبوعات تنها در متن یک آزادی ملی می‌تواند مفهوم واقعی و تضمین یافته پیدا کند. در شرایطی که همه اهرام دیکتاتوری دست‌نخورده باقی مانده اند، در شرایطی که موانع و نپا دموکراتیک و فکری - نظیر دربار و ساواک و پلیس و ارتش با قدرت نامحدود هستند، فغاند، چگونه می‌توان از مطبوعات واقعا آزاد واز پرده آزادی در جامعه به طوری سخن گفت؟

مطبوعات آزاد در میهن ما، به مثابه سرنگ‌گشتن در زیر برق دشمن است. زمینگان مطبوعات اگر بخوانند این شمشیر داوطلب را از خود و از آرزوهایشان دور کنند، نباید مبارزه خود را آغاز کرده باشند. نبرد بزرگ تازه آغاز شده است. سانسور یک امر کاملاً سیاسی است. سانسور استکباری طبیعی آن شرایط اقتصادی و سیاسی سازنده و فکری است که از یک سو نیروهای تولیدی جامعه را به فغان می‌کند و از دیگر سو مشارکت و نظارت ملی را از حیات اجتماعی حذف می‌کند. تنها پیوند دادن مبارزه در راه لگو سانسور با مبارزات سیاسی و دموکراتیک مردم، می‌تواند آزادی واقعی مطبوعات را گسترش دهد و شمشیر سانسور را بشکند. جز این آزادی مطبوعات در فردهم نیم بند و کم‌محتوی باشد، دولت مستعمل خواهد بود....

تقدیم به آن برادر ارتشی که تفنگش را بدیگر سو نشانه گرفت و خود نشانه شد و در کنار دیگر شهیدان بخاک افتاد.

سرود همراهی

ژاله بر سنگ افتاد چون شد
ژاله خون شد
خون چه شد خون چه شد؟
خون جنون شد
ژاله خون کن!
خون جنون کن!
سلطنت زین جنون واژگون کن!

ژاله بر گل نشان، گلپران کن
بر شهیدان، زمین گلستان کن
نام گنماها جاودان کن
تا بصبح آید این شام تیره
در شب تیره آتشفشان کن

جان خواهر!
گارگر، روستائی، برادر
پیشوهر ای جوان ای دلاور
ما همه یک صف و در برابر
آن ستمگاره آن تاج بر سر

دست در کن
شو خطر کن
خانه ظلم زیروزبر کن

خواهر من گرامی برادر
چون بهر حال تنهاست مادر
من بخاک او افتادم تو بگذر
بهر ایجاد دنیای بهتر

دست در کن
شو خطر کن
خانه ظلم زیروزبر کن

ای شما ای صف بیشاران
اشک من در نثار شمایان
بر سر هر گذرگاه و میدان
ژاله شد ژاله شد

ژاله چون شد؟
ژاله خون ژاله دریای خون شد
خون جنون خون جنون
سلطنت واژگون
سلطنت واژگون

رشید خلقی
اول مهرماه ۱۳۵۷

یک عدد حزب فواکیر کم شده!

از چند هفته پیش "حزب فواکیر رستاخیز" آریا موری از فضای سیاسی ایران کم شده. گرچه از مدت‌ها پیش بر سر بیماری و لاعلاج و مرگ زود وی این موجود غلیل آزما بشکاف می‌شدی در همان فصل حرف‌ها دیگر برای خود را با موفقی سپرده استند در حالی که از کم‌کم بود و بعد از مرگ این موجود بادکنکی رسماً اعلام و چند گرم خورده اش به خاک سپرده می‌شدند اما با وی موفقتش فضای کشور را به پیشتر آورده کند!

احمد ۲۵ نان سنگک خسرو

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!